

# نوید ظهور

در میان اقوام و ادیان

پیامبر عیسیٰ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نوید ظهور

حضرت مهدی (عج الله فرجه)

در میان تمامی اقوام و ادیان

مؤلف :

یعقوب محرمزاده

سرشناسه : محرم زاده نوبری ، یعقوب ، ۱۳۲۲

عنوان قراردادی : او خواهد آمد، برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : نوید ظهور حضرت مهدی(عج) در میان تمامی اقوام و ادیان / مؤلف: یعقوب محرم زاده

مشخصات نشر : تبریز: هادی ۱۳۹۴

شابک : ۲-۸۵-۶۵۱۰-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا .

یادداشت : بخش اعظم کتاب برگرفته از کتاب «او خواهد آمد»

اثر علی اکبر مهدی پور است.

یادداشت : کتابنامه

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق

موضوع : مهدویت -- انتظار

موضوع : موعود گرایی

شناسه افزوده : مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴، او خواهد آمد

رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ الف۸۸/م ۲۲۴/ BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۰۵۱۲۸

تلفن: ۰۴۱-۳۵۲۴۲۱۸۶

فکس: ۰۴۱-۳۵۲۶۰۰۴۳

 **انتشارات هادی**

## ■ نوید ظهور

تألیف و گردآوری : یعقوب محرم زاده

ناشر : انتشارات هادی - تبریز

نوبت چاپ : چاپ اول، پائیز ۱۳۹۴

امور چاپ : چاپ هادی تبریز

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

قیمت : ۵۰۰۰ تومان

شابک : ۲-۸۵-۶۵۱۰-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

## فهرست

۵	مقدمه
۷	امام غائب
۱۷	غرض از نقل این همه شواهد
۱۸	امدادهای غیبی برای یاری رساندن به حضرت محمد(ص) و مسلمانان
۱۹	و یک نمونه کمک دیگر برای پیغمبر(ص) در آغاز هجرت
۲۰	شواهد دیگر از قرآن
۲۱	حکومت زمین از آن صالحان خواهد بود
۲۱	روایاتی پیرامون قیام مهدی(عج)
۲۳	حکومت حضرت ولی عصر(عج) چطور و چگونه خواهد شد؟
۲۴	وحدت رویه و روش امام مهدی و رسول خدا(ص)
۲۷	سیره سیاسی امام مهدی(عج)
۳۰	سیره قضائی حضرت مهدی(عج)
۳۲	روایت
۳۳	اعتراف دانشمندان عامه
۴۵	ضرورت شناخت امام زمان(ع)
۶۲	او خواهد آمد
۶۳	مهدی موعود در زبور داود
۶۵	مهدی موعود در عهد عتیق (تورات و ملحقات آن)
۶۷	مهدی موعود در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن)
۶۹	مهدی موعود در کتب مقدسه‌ی هندیان
۷۳	مهدی موعود در منابع زرتشتیان
۷۷	ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی
۷۹	مهدی موعود از دیدگاه اسلام
۸۲	مهدی موعود در منابع اهل تسنن
۹۴	جامعه ایده‌آل و رسیدن به بلوغ فرهنگی در عصر حضرت مهدی(عج)
۹۵	آخرین سخن:
۹۷	خاتمه کتاب
۹۹	منابع:

## مقدمه

اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن المهدی صلواتک علیه و علی آبائه  
فی هذه الساعة و فی کل ساعة و لیا و حافظا و قاعداً و ناصرأ و دلیلا و عینا  
حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا.

حدود پانزده سال پیش به سفر حج عمره مشرف شده بودم و حسن تصادف  
با استاد عزیزم مرحوم و مغفور رضوان جایگاه آقای حاج میرزا عمران علیزاده (ره)  
که با کاروان دیگری به مدینه آمده بودند روبرو شدم و با معیت ایشان هر روز به  
زیارت می‌رفتیم و ضمناً در راه به بعضی از کتابفروشی‌های مدینه رجوع  
می‌کردیم، روزی کتابی نفیس به زبان عربی از علمای اهل سنت و جماعت در  
موضوع حضرت حجة بن الحسن المهدی عجل الله فرجه نظرم را جلب کرد و فوراً  
خریدم و به حضرت استاد علیزاده تقدیم نموده عرض کردم حضرت آقا، لطفاً این  
کتاب را که در خصوص حضرت امام‌زمان (عج) است ترجمه فرمایند تا جماعت  
استفاده کنند و ایشان هم خواهش بنده را قبول فرموده، و بعد از ترجمه و چاپ  
برایم یک جلد اهدا نمودند.

اتفاقاً در جلسه‌ای با یکی از پزشکان بنام شهرمان که در مورد حضرت  
اشکالاتی داشتند و بعضی سخنان همچون امام‌زمان برای شیعیان است و این  
قبیل سخنان ایراد می‌کردند که هدیه این کتاب را به ایشان نافع‌تر از استفاده  
خودم دانستم تا رفع اشکال نمایند و پس از مطالعه و خواندن از من بسیار تشکر  
نمودند.

خلاصه من از فقدان کتاب مزبور در مزیقه بوم و گاه بی‌گاه در شهرمان به کتاب‌فروشی‌ها مراجعه می‌کردم و نمی‌توانستم همچون کتابی بیابم خوشبختانه خدا یاریم کرد و مشابه کتاب<sup>۱</sup> مزبور را حضرت استاد حاج‌آقا میرزا علی‌اکبر مهدی‌پور که یکی از نویسندگان برجسته و خوش‌نام حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند به اتفاق چند کتاب از تالیفات نفیسان برایم هدیه نمودند و کتاب (او خواهد آمد) که چند سالی در پیش بوم به واسطه ایشان به دستم رسید که خداوند متعال به ایشان عمر باعزت عطا فرموده و سایه‌اش را مستدام بفرماید و کتاب حاضر<sup>۲</sup> قسمتی از همان کتاب است که مطالبش به عنوان سند و مدرکیست از زبان اهل سنت و جماعت و یا بعضی از اقوام و ملل دیگر که جمع‌آوری نموده‌اند و به خدمتتان عرضه و تقدیم می‌شود.

یعقوب محرم‌زاده

۱۳۹۴/۵/۳

---

۱ - او خواهد آمد: از کتب یهود و نصاری، مجوس و دیگر کتب مقدمه گزارش بیش از ۶۰۰۰ حدیث صادره از ۱۴۰ جلد کتاب مشتمل پیرامون آن حضرت از علمای عامه (نقل ص ۱۳) در مقدمه.

۲ - از ردیف ۳۴ صفحه فهرست این کتاب (دانشمندان عامه) الی آخر کتاب...

## امام غائب

امروز بسیاری از قوانین طبیعت و نظم عالم به دست انسان متفکر و کنجکاو کشف گردیده و علم و تجربه مجهولات را به معلومات مبدل نموده است مع الوصف معمای بزرگ عالم هنوز لاینحل مانده و بعید به نظر می‌رسد که بشر در آینده هم بر همه مجهولات غلبه کند.

در میان قوانین که کشف گردیده استثناهایی هم وجود دارد که احکام و قوانین معلومه بر آنها جاری نیست با وسائلی که در دست داریم تفسیر نمی‌شوند و مربوط به نظام عالی و عمومی خلقت هستند گرچه این استثناءها غیرطبیعی و از قانون کلی عالم خارج نیستند ولی ناچار باید گفت که از نوادر طبیعت می‌باشند.

۱ - مقدار عمر انسان بنا بر آنچه دانسته‌ایم و می‌بینیم از صد سال تجاوز نمی‌کند و ندرتاً به صد و بیست و یا یکصد و پنجاه سال نمی‌رسد ولی قرآن مجید تصریح می‌کند که نوح پیغمبر نهصد و پنجاه سال عمر کرد (وَلَقَدْ ارسلنا نوحاً الى

قومه فلبث فيهم الف سنة الا خمسين عاماً فاخذهم الطوفان و هم ظالمون)<sup>۱</sup>

یعنی نوح(ع) را به سوی قومش فرستادیم و هزار سال پنجاه سال کم میانشان بماند پس طوفان آنها را گرفت که ستمگران بودند.

عین این مطلب در تورات حاضر نیز موجود است در سفر پیدایش باب هفتم آیه ۱۱ می‌گوید: در ششصد سال زندگانی نوح طوفان شروع شد و در باب نهم آیه ۲۸ و ۲۹ می‌گوید: نوح بعد از طوفان نهصد و پنجاه سال زندگانی کرد و جمله‌ی عمر نوح نهصد و پنجاه<sup>۲</sup> سال بود که مرد.

۱ - سوره عنکبوت آیه ۱۴

۲ - در بعضی کتابها عمر نوح را دو هزار و پانصد سال هم ذکر کرده‌اند.

۲ - همچنین ما تا چشم گشوده‌ایم دانسته‌ایم که بچه‌ی آدمی و حیوانات در نتیجه ملاقات پدر و مادر (نر و ماده) به وجود می‌آید ولی این را هم می‌دانیم که حضرت عیسی بن مریم بدون پدر<sup>۱</sup> از مادرش متولد شد سند زنده‌ی این حقیقت در قرآن مجید است ولی در انجیل متی باب اول آیه ۱۸ شوهری به نام یوسف برای مریم ادعا شده ولی باز به بدون پدر متولد شدن عیسی تصریح کرده و می‌گوید: اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود قبل از آن که با هم آیند او را از روح‌القدس حامله یافتند. بی‌شوهر زائیدن مریم یکی از مظاهر غیرعادی او بوده است این صفت هرچند غیرمعمول است اما غیرطبیعی و غیربشری نیست و دور از تأییدات علمی امروز نمی‌باشد.<sup>۲</sup>

بی‌شوهر زائیدن مریم یقیناً غیرطبیعی نیست ولی نمی‌توان انکار کرد که از نوادر طبیعت است و هنوز نظیرش در عالم دیده نشده است.

۳ - خواب اصحاب کهف نیز از این قبیل است انسان عادتاً ۸ ساعت، ده ساعت، می‌خوابد یعنی از حشرات و غیره در حدود شش ماه در فصل زمستان به خواب می‌روند ولی قرآن مجید تصریح می‌کند که اصحاب کهف<sup>۳</sup> سیصد و نه سال خوابیدند و بعد بیدار شدند خداوند در سوره کهف آیه ۱۱ و ۱۲ می‌فرماید

فَضْرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا.

۱ - حضرت آدم(ع) را خداوند بدون پدر و مادر به وجود آورد. (خلقت انسان تألیف دکتر سبحانی ص ۱۵۷ و ۱۵۸)

۲ - و دیگر از مواهب الهی این که از گل به فرمان خدا چیزی شبیه پرنده می‌ساخت سپس در آن می‌دمید و به اذن خدا پرنده می‌شد و دیگر آن که کور مادرزاد و کسی که مبتلا به بیماری پیسی بود به اذن خدا شفا می‌یافت و بالاخره مردگان را به اذن خدا زنده می‌ساخت. سوره مائده آیه ۱۱۰.

۳ - مسلماً خواب اصحاب کهف یک خواب عادی و معمولی مانند خواب‌های شبانه ما نبوده است خوابی بوده که جنبه استثنایی داشته است بنابراین جای تعجب نیست که آنها (به اراده خداوند) در خواب طولانی فرو روند نه گرفتار کمبود غذا شوند و نه ارگانیزم بدن آنها صدمه ببیند!!



یعنی در آن غار معدود به خوابشان بردیم آنگاه بیدارشان کردیم تا معلوم کنیم کدام یک از دو دسته مدتی را که درنگ کرده‌اند بهتر شمار می‌کنند و در آیه ۲۵ از همان سوره می‌فرماید ولبثوا فی کھفهم ثلث مائة سنین و از دادوا تسعاً.

یعنی در غارشان سیصد<sup>۱</sup> سال بسر بردند و نه سال بر آن افزودند اکثر اهل تاریخ و روایت معتقداند که این قضیه در دوران فترت میان رسول خدا(ص) و حضرت عیسی(ع) اتفاق افتاده است بدین جهت ذکری از این واقعه در تورات و اناجیل فعلی نیست.<sup>۲</sup>

این واقعه گذشته از قرآن کریم در منابع تاریخی سریانی، قبطی، حبشی و ارمنی نیز نقل شده قدیم‌ترین اثری که از این داستان موجود است متن سریانی می‌باشد که به نثر و نظم نوشته شده قسمت نظم آن به قلم جمیز سروگ و نثر آن در چهار متن است که قدیمی‌ترین آنها اکنون در موزه‌ی بریتانیا موجود و مربوط به اواخر قرن ششم میلادی می‌باشد.<sup>۳</sup>

به هر حال این ماجرا نیز از نوادر طبیعت است و کیفیت مفصل آن در قرآن مجید ملاحظه شود.

۴ - یکی دیگر از نوادر طبیعت آتش نمرود است که حضرت ابراهیم(ع) را در آن انداختند اما آتش آن پیغمبر بزرگ را نسوزاند به حکم محکمه بابل ابراهیم(ع) را که بت‌های اهل بابل را درهم شکسته بود محکوم به سوزاندن شد در قرآن مجید آمده است.

۱ - سیصد سال شمسی و سیصد و نه سال قمری در سوره کھف

۲ - المیزان ج ۱۳ ص ۳۱۵ تقریباً ۱۱ روز تفاوت سال‌های شمسی و قمری است اگر به ۳۰۰ سال ضرب کنیم ۹ سال تقریبی می‌شود.

۳ - مقدمه کتاب اصحاب کھف ص ۴ از ابوالفضل طباطبائی

قالوا حرقوه و انصروا آلهمکم ان کنتم فاعلین، قلنا یانار کونی برداً و  
 سلاماً علی ابراهیم. یعنی او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید اگر کاری  
 خواهید کرد، گفتیم ای آتش بر ابراهیم خنک و سالم باش. (سوره انبیاء آیه ۶۸ و  
 ۶۹)

با این خطاب خدایی خاصیت و سوزاندن آتش از بین رفت و بر ابراهیم  
 خنک و سالم شد مردم یقین می کردند پیامبر خدا در چند دقیقه مبدل به خاکستر  
 شده است دیدند صحیح و سلامت است و باز مردم را بسوی خدا می خواند رابطه  
 این دستور و انقلاب آتش بر ما مجهول است و از نوادر طبیعت است.<sup>۱</sup>  
 ۵ - اطفال آدمی در حین ولادت چیزی نمی داند و سخن گفتن نتوانند مگر  
 چیزهایی که غریزی است از قبیل مکیدن پستان و غیره.

والله اخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئاً. (سوره نحل آیه ۷۸)

---

۱ - زنده کردن چهار پرنده به اذن خدا یکی دیگر به دست حضرت ابراهیم(ع) به صورت خارق عادت به وقوع  
 پیوست!!

روزی ابراهیم(ع) از کنار دریائی می گذشت مرداری را دید که در کنار دریا افتاده در حالی که مقداری از آن داخل  
 آب و مقداری دیگر در خشکی است و پرندگان و حیوانات دریا و خشکی از دو سو آن را طعمه خود قرار داده اند  
 حتی گاهی بر سر آن نزاع می کنند دیدن این منظره ابراهیم را به فکر مسئله ای انداخت که همه می خواهند  
 چگونگی آن را به طور تفصیل بدانند و آن کیفیت زنده شدن مردگان پس از مرگ است او فکر می کرد که اگر  
 نظیر این حادثه برای جسد انسانی رخ دهد و بدن او جزو بدن جانوران دیگر شود مسئله رستاخیز که باید همین  
 بدن جسمانی صورت گیرد چگونه خواهد شد؟!

ابراهیم(ع) گفت پروردگارا به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی و خداوند فرمود مگر ایمان به این  
 مطلب نداری؟ او پاسخ داد ایمان دارم می خواهم آرامش قلبی پیدا کنم خداوند به او دستور داد که چهار پرنده  
 (طاوس و خروس و کبوتر و کلاغ) بودند که از جهات گوناگون با هم اختلاف فراوان دارند بگیرد و گوشت های  
 آنها را درهم بیامیزد سپس آنها را چند قسمت کند و هر قسمتی را بر سر کوهی بگذارد بعد آنها را به اسم بخواند  
 تا صحنه رستاخیز را مشاهده کند.

او چنین کرد و با نهایت تعجب دید اجزای مرغان از نقاط مختلف جمع شده نزد او آمدند و حیات و زندگی را از  
 سر گرفتند!

خدا شما را در شکم مادرانتان بیرون آورد چیزی نمی‌دانستید و شما را گوش و دیدگان و دل‌ها داد.

اما می‌دانیم که حضرت عیسی(ع) در موقعی که هنوز چند روز بلکه چند ساعت از ولادتش نگذشته بود با زبان فصیح سخن گفت و برائت و پاکدامنی مادرش مریم را اثبات نمود.

فَاتَتْ بِه قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا، يَا أُخْتِ هَارُونَ مَا كَانَ ابُوكَ امْرَءَ سَوْءٍ و مَا كَانَتْ اُمُّكَ بَغِيًّا، فَاشارت اليه قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا، قَالَ اَنْتِ عَبْدَاللهِ اَتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلْنِي نَبِيًّا، وَجَعَلْنِي مَبْرُكًا  
اینما كنت و اوصانی بالصلاة والزكاة مادمت حیًا. (سوره مریم آیه ۲۱ - ۳۱)

یعنی مولود را در حالی که برداشته بود نزد کسان خود آورد گفتند ای مریم حقا که چیزی شگفت‌انگیز آورده‌ای. ای خواهر هارون پدرت مرد بدی نبود و مادرت زناکار نبود، به مولود اشاره کرد گفتند چگونه با کسی که کودک و در گهواره است سخن گوید<sup>۱</sup> (عیسی در این هنگام) گفت من بنده خدایم مرا کتاب داده و مرا پیغمبر کرده است و هر کجا که باشم با برکتم کرده است و به نماز خواندن و زکوة دادن مادام که زنده باشم سفارشم کرده است.

---

۱ - ناگفته پیداست که طبق روال عادی هیچ نوزادی در ساعات یا روزهای نخستین تولد سخن نمی‌گوید سخن گفتن نیاز به نمو کافی مغز و سپس ورزیدگی عضلات زبان و خنجره و هماهنگی دستگاه‌های مختلف بدن با یکدیگر دارد و این امور عادتاً باید ماه‌ها بگذرد تا تدریجاً در کودکان فراهم گردد.  
ولی هیچ دلیل علمی هم بر محال بودن این امر نداریم تنها این خارق عادت است و همه معجزات چنین هستند یعنی خارق عادتند نه محال عقلی (تفسیر نمونه جلد ۱۳ ص ۵۹)

۶ - قرآن کریم در بسیاری از آیات تصریح می‌کند که عصای موسی مبدل به مار<sup>۱</sup> و اژدها<sup>۲</sup> شد و چون دست خود را از گریبان بیرون می‌آورد می‌درخشید و نورافشانی می‌کرد و عین این مطلب در تورات فعلی در سفر خروج باب چهارم آیه ۲ به بعد ذکر شده است و همچنین قرآن مجید تصریح می‌کند که عصای موسی اسباب جادوگری را بلعید<sup>۳</sup> و در باب هفتم از سفر خروج در تورات نیز این مطلب نوشته شده است.

قرآن مجید تصریح می‌کند که عصای موسی دریا را شکافت و از میان آن راه باز کرد و بنی‌اسرائیل از آن راه رفتند و از دست فرعون خلاص شدند.

فاوحینا الی موسی ان اضرب بعصاک البحر فانقلب فکان کل فرق  
کالطود العظیم (سوره شعراء آیه ۶۳)

یعنی به موسی وحی کردیم که عصای خویش را به دریا بزن پس بشکافت  
و هر پاره‌ای چون کوهی بزرگ بود.

و نیز می‌گوید که در اثر عصای موسی سنگ بشکافت و از آن دوازده چشمه  
جاری شد. و اذ استسقی موسی لقومه فقلنا اضرب بعصاک الحجر، فاتفجرت  
منه اثنتا عشرة عیناً (سوره بقره آیه ۶۰)

و چون موسی برای قوم خویش آب همی خواست گفتیم عصای خود را به  
این سنگ بزن و دوازده قوم از آن بشکافت.

۱ - فالقها فاذا هی حیه تسعی (سوره طه آیه ۲۰) پس از دریافت نبوت حضرت موسی (ع) در اوایل پیغمبری‌اش بود.

۲ - فالقی عصاه فاذا هی ثعبان مبین (سوره اعراف آیه ۱۰۷) در کاخ فرعون تبدیل به اژدها شد.

۳ - همه آن چوب‌ها و طناب‌ها به سیرت واقعی‌شان دیده شدند و مردم دیدند یک سلسله چوب‌ها و طناب‌هاست که در میدان افتاده است. (تفسیر موضوعی، ج ۴، ص ۱۴۳، جوادی آملی)

در تورات فعلی شکافتن دریا در جواب ۱۴ سفر خروج آیه ۲۱ به بعد و شکافتن سنگ در باب ۱۷ آیه ۶ به بعد از سفر خروج منقول است چوب همیشه چوب است و عصا همیشه عصاست و این همه اعجاز از عصای موسی از نوادر طبیعت می باشد.<sup>۱</sup>

۷ - تخت ملکه سبا در یک چشم زدن نزد سلیمان حاضر شد:

در سوره نمل از قرآن مجید آمده است که تخت ملکه بلقیس در یک چشم زدن نزد سلیمان حاضر شد (با آن که میان سلیمان و تخت بلقیس فاصله زیادی بود اینک آنچه در قرآن تصریح شده است

قال يا ايها الملأ ايكم يأتيني بعرشها قبل ان يأتوني مسلمين...

قال الذی عنده علم من الكتاب انا اتيك به قبل ان يرتد اليك طرفك

فلما رأه مستقراً عنده قال هذا من فضل ربّي (نمل ۳۸ به بعد)

یعنی سلیمان گفت ای بزرگان کدام یک می‌تواند تخت او را پیش من بیاورد قبل از آن که مطیعانه نزد من آیند... آن که دانشی از کتاب نزد وی بود گفت من آن را پیش از آن که چشم به هم زنی نزد تو می‌آورم و چون تخت را نزد خود استقرار یافته دید گفت: این از فضل پروردگار من است.

---

۱ - مسلماً آن روز که موسی آن عصای شبانی را برای خود انتخاب نمود باور نمی‌کرد که این موجود ساده از عهده‌ی چنان کار عظیمی به فرمان خدا برآید آنچنان که قدرت فراغت را در هم ریزد اما خدا به او نشان داد که از همین وسیله ساده می‌توان آنچنان نیروی خارق‌العاده به وجود آورد مگر عصا و مار عظیم هر دو در گذشته از خاک گرفته نشده‌اند البته میلیون‌ها یا صدها میلیون سال طول کشید که از خاک این چنین موجوداتی به وجود آمد منتها کار اعجاز در این مورد بوده است که آن مراحل را که می‌بایست در طول سالیان دراز طی شود در یک لحظه در مدتی بسیار کوتاه انجام داده است آیا چنین امری محال به نظر می‌رسد؟

ممکن است من کتاب قطوری را با دست در یک سال بنویسم حال اگر کسی پیدا شود با اتکاء به اعجاز آنچنان سریع انجام دهد که در یک ساعت یا کمتر از آن نوشته شود این محال عقلی نیست این خارق عادت است...

(تفسیر نمونه جلد ۱۳ ص ۱۸۲)

ناگفته نماند که بشر امروزی به بافتن رابطهی این علت و معلول نزدیک شده است زیرا به وسیله سیم‌ها، فرستنده‌ها، رادیوها و تلویزیون‌ها، ... می‌توانیم صداها و عکس‌ها را از جاهای دور بیاوریم و این مطلب می‌فهماند که آوردن خود اشیاء از جاهای دور نیز ممکن است منتها بشر امروزی هنوز به آن دست نیافته است.

۸ - داستان معراج پیامبر(ص) نمونه دیگر از نوادر طبیعت است که خداوند متعال رسول اکرم(ص) را با وجود مادی‌شان به وقت شب از مکه معظمه به سوی مسجد اقصی در بلاد شام و فلسطین سیر داد و این قسمتی از معراج است و حال آن که این مسافت به چهل منزل راه می‌رسد و تازه مطابق آیات سوره نجم<sup>۱</sup> و اسراء<sup>۲</sup> از مسجد اقصی به سوی آسمان‌ها سیر داده شد.

۹ - ماه شکافته شد.

یکی از معجزات حضرت پیغمبر اکرم(ص) مسئله شق القمر به صورت اعجاز انجام گرفته و آیات و شواهد روشنی بر این امر دربر دارد.

طبق روایت مشهور که بعضی ادعای تواتر آن نیز کرده‌اند مشرکان نزد رسول خدا(ص) آمدند و گفتند اگر راست می‌گوئی و تو پیامبر خدایی ماه را برای ما دو پاره کن (فرمود) اگر این کار را کنم ایمان می‌آورید و عرض کردند آری و آن شب چهاردهم ماه بود پیغمبر(ص) از پیشگاه پروردگار تقاضا کرد آنچه را خواسته‌اند به او بدهد ماه ناگهان به دو پاره شد و رسول خدا آنها را یک یک صدا می‌زد و می‌فرمود<sup>۳</sup> ببینید این حادثه‌ی عظیم دلیلی است بر قدرت خداوند بزرگ

۱ - آیه ۱۴ الی ۱۸.

۲ - سوره اسراء آیه ۱.

۳ - مجمع‌البیان و تفسیر نمونه جلد ۲۳ ص ۸

بر هر چیز و هم نشانه‌ای است از صدق دعوت پیغمبر گرامیش که می‌فرماید قیامت نزدیک شد و ماه هم از هم شکافت.

اقتربت الساعة وانشق القمر

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ. (سوره قمر آیه ۱ الی ۳)

و هرگاه نشانه و معجزه‌ای را ببینند اعراض کرده می‌گویند: این سحری است مستمر!

توضیح بیشتر موضوع بحث را تفصیلاً به تفسیر نمونه جلد ۲۳ از صفحه ۷ الی ۱۹ رجوع فرمایند چون که غرض بنده از مطلب خلاصه‌نویسی است و فقط از ما نمونه و اشارتی است به معجزات و خارق‌العادت که از نوادر طبیعت محسوب می‌شوند...

۱۰ - ای درخت اگر به خدا و روز قیامت ایمان داری و می‌دانی من پیامبر خدایم از زمین با ریشه‌هایت درآی...

حضرت علی(ع) در خطبه‌ی قاصعه ۲۸۵ ردیف ۱۸ معجزه‌ای از حضرت محمد(ص) نقل می‌کند که به طور خلاصه در این جزوه می‌آورم:

من با پیامبر بودم آنگاه سران قریش نزد او آمدند و گفتند: ای محمد(ص) تو ادعای بزرگی کردی که هیچ یک از پدران و خاندانت نکردند ما از تو معجزه‌ای می‌خواهیم اگر پاسخ مثبت داده انجام دهی می‌دانیم تو پیامبر و فرستنده‌ی خدایی و اگر از انجام آن سر باز زنی خواهیم دانست که ساحر و دروغ‌گوئی! پس پیامبر(ص) فرمود: (شما چه می‌خواهید؟) گفتند این درخت را بخوان تا از ریشه کنده شده و در پیش تو بایستد)

پیامبر فرمود: خداوند بر همه چیز تواناست حال اگر خداوند این کار را بکند آیا ایمان می‌آورید و به حق شهادت می‌دهید؟

گفتند: آری. پیامبر فرمود که شما به خیر و نیکی باز نخواهید گشت زیرا در میان شما کسی است که کشته شده و در چاه (بدر) دفن خواهد شد و کسی است

که جنگ احزاب را تدارک خواهد کرد سپس به درخت اشاره کرد و فرمود: «ای درخت اگر به خدا و روز قیامت ایمان داری و می‌دانی من پیامبر خدایم از زمین با ریشه‌هایت درآی و به فرمان خدا در پیش روی من قرار گیر»

سوگند به خدایی که پیامبر را به حق مبعوث کرد درخت با ریشه‌هایش از زمین کنده شده و پیش آمد که با صدای شدید چونان هم خوردن بال پرندگان با به هم خوردن شاخه‌های درختان جلو آمده و در پیش روی پیامبر(ص) ایستاد که برخی از شاخه‌های بلند خود را بر روی پیامبر(ص) و بعضی دیگر را روی من انداخت و من در طرف راست پیامبر(ص) ایستاده بودم. وقتی سران قریش این منظره را مشاهده کردند با کبر و غرور گفتند: (به درخت فرمان ده نصفش به جلوتر آید و نصف دیگر در جای خود بماند) پیامبر(ص) فرمان داد.

نیمی از درخت با وضعی شگفت‌آور و صدای نخست به پیامبر(ص) نزدیک شد گویا می‌خواست دور آن حضرت بیچد اما سران قریش از روی کفر و سرکشی گفتند (فرمان ده این نصف بازگردد و به نیم دیگر ملحق شود و به صورت اول درآید) پیامبر(ص) دستور داد و چنان شد من گفتم لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ای رسول خدا من نخستین کسی هستم که به تو ایمان آورده و نخستین فردی هستم که اقرار می‌کنم درخت با فرمان خدا برای تصدیق نبوت و بزرگداشت دعوت رسالت آنچه را خواستی انجام داد اما قریش همگی گفتند (او ساحری است دروغگو) که سحری شگفت‌آور دارد و سخت با مهارت است و خطاب به پیامبر(ص) گفتند (آیا نبوت تو را کسی جز امثال علی(ع) باور می‌کند؟)<sup>۱</sup>

۱۱ - داستان اصحاب فیل که در مقارن میلاد مسعود پیغمبر اکرم(ص) واقع شد در حقیقت زمینه‌ساز آن ظهور بزرگ بود و پیام‌آور عظمت این قیام و همان



چیزی است که مفسران از آن تعبیر به (ارهاص) کرده‌اند<sup>۱</sup> که یک معجزه‌ی بی‌نظیر و خارق‌العاده و سلسله‌ای از حوادث طبیعی است از قدرت عظیم خداوند که برای بر هم کوبیدن و نابودی لشکر ابرهه که به وسیله سنگ‌ریزه‌هایی که از منقار و پاهای پرندگان کوچک بر سر آنان فرو می‌افتاد و نشانه‌گیری خاصی در متلاشی کردن بدن‌های افراد یک لشکر عظیم که برای ویران کردن کعبه آمده بودند و همه اندام لشگریان ابرهه را همانند عصف ماکول (کاه درهم کوبیده و خورده شده) قرار دادند داستان فوق یکی دیگر از نوادر طبیعت بود مختصر وار به خدمتتان عرضه شد.

### غرض از نقل این همه شواهد

آن است که بدانیم عمر طولانی امام‌زمان (عج) نیز از این قبیل است و بعید شمردن عمر طولانی آن بزرگوار نتیجه‌ی عادت معمول در زندگی و عمر است و گرنه از نظر نظام عالی و عمومی خلقت هیچ گونه بعدی ندارد و مصادیق زیادی که نقل شد همه از این قبیل‌اند.

کریمی کاین جهان پاینده دارد      تواند حجتی را زنده دارد

\*\*\*

با تغییر شرایط و محیط زندگی و تغذیه می‌توان اندازه‌ی عمر را زیاد کرد و یا از آن کاست مثلاً یک قطعه گوشت را در هوای آزاد بگذارید بعد از مدتی پر از کرم‌های ریز می‌شود که پس از چند ساعت تبدیل به مگس می‌شوند ولی اگر آن را در یخچال یا فریزر بگذارند مدت‌ها همچنان تر و تازه خواهد ماند.

---

۱ - ارهاص به معنی معجزاتی است که قبل از قیام پیامبر واقع می‌شود و زمینه‌ساز دعوت او است این واژه در اصل به معنی پایه‌گذاری و اولین ردیف سنگ و آجری است که در زیر دیوار می‌نهند.

به طور نمونه:

پاستور دانشمند فرانسوی در سال ۱۸۹۵ میلادی از دنیا رفته و اکنون که سال ۲۰۱۵ میلادی است که یکصد و بیست سال از فوت او می‌گذرد بالون‌های شیری پاستوریزه او در جهان معروف است و هنوز هم بعد از گذشت او در موزه‌ی پاریس موجود است و تاکنون در آنها میکروب پیدا نشده است.<sup>۱</sup>

پس می‌بینیم که با تغییر محیط زندگی چیزی را که بیش از چند ساعت دوام ندارد می‌توان سال‌ها همچنان تر و تازه نگاه داشت.

گندم‌هایی که در سنبل اهرام مصر از قبر فرعون‌ها پیدا شد در شک بودند که آیا قوه‌ی فعل در آنها باقیست یا نه. آنها را برای امتحان کشتند روئیده شد سنبل داد و دانه کرد حساب کنید آیا چند سال بر آنها گذشته است و دست کم چهار هزار سال اینها از جنس گندم‌هایی است که در انبارها بیش از یکی دو سال بیشتر عمر نمی‌کنند.<sup>۲</sup>

چند نمونه دیگر از شواهدی از قرآن بیاورم تا رفع شبهه شود.

**امدادهای غیبی برای یاری رساندن به حضرت محمد(ص) و مسلمانان**

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبِّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدَفِينَ

(سوره انفال آیه ۹)

و به یاد آورید هنگامی را که به درگاه خدا استغاثه نموده و پناهنده می‌شدید پس دعای شما را مستجاب فرموده و (گفت) شما را با یک هزار فرشته - که ملائکه دیگری نیز به دنبال خواهند داشت - یاری خواهم داشت را فرستاد.

۱ - مجله گنج شایگان شماره ۵۰ ص ۳۲ از مقاله دکتر عبدالحسین کافی (سیری در اسلام ص ۹۶)

۲ - از بشارت ظهور ص ۲۸ از آقای شکاری (سیری در اسلام ص ۹۷ سیدعلی اکبر قرشی)

در نتیجۀ جنگ بدر هفتاد تن از مشرکین مقتول و هفتاد نفر دیگر اسیر شدند و بقیه رو به فرار نهادند و در نتیجۀ غنایم بسیاری به دست مسلمانان افتاد در این جنگ فداکاری حضرت علی(ع) و حمزه عموی پیغمبر بیش از دیگران بود.

وقتی که خبر پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان به مکه رسید ابولهب از غصه مرد.<sup>۱</sup>

۲ - یکی دیگر از الطاف خداوندی و یاری رساندن خدا به پیغمبر به خاطر پیش بردن هدفش اسلام در شعب ابوطالب در اطراف مکه که مسلمانان را در محاصره اقتصادی قرار داده بودند و سه سال طول کشید بالاخره پیامبر اسلام(ص) از طریق وحی خداوند از طریق جبرئیل به عمویش خبر داد که صحیفه قرار داد را که در کعبه قرار داده بودند موربانه خورده است یعنی تمام کلمات نوشته آن را به جز (بسمک اللهم) را خورده و از بین برده است و حتی یک حرف از آن نوشته‌ها باقی نمانده است ابوطالب پیش قریش آمد و از ماجرا آگاه کرد آنان با تمسخر به سوی صحیفه رفتند و با کمال تعجب دیدند که خبر درست است بدین وسیله محاصره درهم شکست و مسلمانان به شهر مکه بازگشتند.<sup>۲</sup>

### و یک نمونه کمک دیگر برای پیغمبر(ص) در آغاز هجرت

در اثر آزار و اذیت مشرکین مکه مسلمانان و حضرت محمد(ص) ناچاراً برای هجرت به مدینه آماده شدند و در آن شب چهل نفر از چهل قبیله را آماده ترور حضرت گماشته بودند و یکصد شتر جایزه تعیین کرده بودند خداوند فرستاده‌ی خود را به وسیله تار عنکبوت در غار ثور مکر آنان را خنثی ساخت.

۱ - تاریخ ابوالفداء ۳۱ - تحلیلی از تاریخ (دوران پیامبر میرخلیل نقوی)

۲ - تحلیلی از دوران پیامبر ص ۶۲

حضرت محمد(ص) با ابوبکر به غار ثور که نقطه‌ی مقابل مدینه بود مخفی شدند یک قیافه‌شناس معروف مکه (ابوکرز) با ردّپای حضرت آشنا بود روی این اصل تا نزدیکی غار آمد و گفت خطامشی پیامبر تا این نقطه بود روی این اصل احتمال دارد که او در غار باشد که پنهان شده باشد کسی را مامور کرد که داخل غار برود آن شخص هنگامی که برابر ورودی غار ثور آمد دید تارهای غلیظی از تار عنکبوت بر دهانه آن تنیده شده و کبوتران وحشی در آنجا تخم گذاشته‌اند. وی بدون این که وارد غار گردد برگشت و گفت تارهایی در دهان غار وجود دارد و حاکی از این است که کسی در آنجا نیست!!

### شواهد دیگر از قرآن

و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم (سوره نساء آیه ۱۵۷)

حضرت عیسی را نکشتند و به دار نزدند بلکه بر آنان مشتبّه شد. بنابراین عیسی(ع) هنوز زنده است و روایاتی داریم که آن حضرت همراه حضرت ولی عصر(عج) خواهد آمد.

اکنون این سؤال مطرح می‌گردد که چگونه ممکن است عیسی(ع) متجاوز از قرن‌ها قبل از حضرت رسول کرم(ص) تا به حال زنده باشد و ایرادی نداشته باشد ولیکن حیات امام‌زمان(عج) که دویست و پنجاه و پنج سال بعد از هجرت رسول‌الله(ص) متولد شده محال باشد!!

و دیگر درباره‌ی حضرت یونس نیز قرآن کریم می‌فرماید:

فلو لانه کان من المسبحین للبت فی بطنه الی یوم یبعثون<sup>۱</sup>

اگر یونس در شکم ماهی از تسبیح کنندگان نبود هر آینه تا روز قیامت در آنجا می ماند (یعنی برای ابد و تا روز قیامت در شکم ماهی زندانی می گردید) از موجودات خبیثه شیطان را بنگرید که از خدا خواست (فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ) تا روز قیامت به من مهلت ده، خداوند فرمود (إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ) الی یوم الوقت المعلوم) تو از مهلت داده شدگانی تا روز معلوم که گاهی به رجعت ائمه تفسیر می شود.

و یک شاهد زنده‌ی دیگر که در کتاب‌های معتبر روایت کرده‌اند که خضر (ع) از زمان حضرت موسی (ع) یا پیش از او تاکنون زنده و اینک در آسمان است و روایت نموده‌اند که عیسی زنده در آسمان است و با مهدی خواهد آمد...

### حکومت زمین از آن صالحان خواهد بود

و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أَنَّ الارض یرثها عبادی الصالحون.  
(سوره انبیا ۶ آیه ۱۰۵)

### روایاتی پیرامون قیام مهدی (عج)

چنان که در مجمع‌البیان ذیل آیه فوق تفسیر به یاران مهدی (ع) شده است از زبان امام باقر (ع) چنین می خوانیم:

هُم اصحاب المهدی فی آخر الزمان: (بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان وارثان زمین یاد می کند یاران مهدی (ع) در آخر الزمان هستند)

---

۱ - خضر نام پیغمبری است معروف به طول عمر و مصاحب حضرت موسی (ع) بودند و شواهدی درباره‌اش در قرآن سوره کهف آیه ۶۰ آمده است و آب حیات نوشیده و عمر جاودانی پیدا کرده و چندین هزار سال عمر نمودند و هنوز هم زنده‌اند و گاهگاهی گمگشتگان را یاری و راهنمایی می نمایند. (فرهنگ صبا ص ۴۱۵)

در تفسیر قمی نیز در ذیل این آیه چنین آمده است  
 انّ الارض یرثها عبادی الصالحون، قال القائم و اصحابه: (منظور از این  
 که زمین را بندگان صالح خدا به ارث می‌برند مهدی قائم(ع) و یاران او هستند)  
 سرانجام وارث زمین و حکومت آن خواهند شد علاوه بر روایات فوق که در  
 خصوص تفسیر این آیه وارد شده روایات بسیار زیادی که بالغ بر حدّ تواتر است از  
 طریق شیعه و اهل تسنن در مورد مهدی(ع) از پیامبر گرامی(ص) و همچنین از  
 ائمه اهل بیت(ع) در صفحات بعدی نقل به تفصیل خواهد شد که همه‌ی آنها  
 دلالت بر این دارد سرانجام حکومت جهان به دست صالحان خواهد افتاد و مردی  
 از خاندان پیامبر(ص) قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد آنچنان که  
 از ظلم و جور پر شده باشد.

از جمله این حدیث معروف است که در اکثر منابع اسلامی از پیامبر(ص) نقل  
 شده: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا الْيَوْمِ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمِ، حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا  
 (صالحاً) مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛

(اگر از عمر جهان جز یک روز بماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی  
 می‌کند که تا مرد صالحی را از خاندان من برانگیزد که صفحه‌ی زمین را پر از  
 عدل و داد کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است) این حدیث با همین  
 تعبیر با مختصر تفاوتی در بسیاری از کتب شیعه و اهل سنت آمده است.<sup>۱</sup>

۱ - در صفحات آینده مفصلاً از زبان اهل سنت و دانشمندان بحث خواهد شد.

## حکومت حضرت ولی عصر (عج) چطور و چگونه خواهد شد؟

حکومت حضرت همان روش حکومتی رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنان (ع) خواهد بود اینک با چند نمونه از روایات از ائمه برای خوانندگان گرامی عرضه می‌شود:

۱ - در بحارالانوار<sup>۱</sup> روایت شده است که

راوی از امام باقر (ع) سؤال می‌کند حضرت حجت (عج) پس از ظهور چه سیره و روشی در حکومت خواهد داشت؟

امام پاسخ می‌دهند: درست مثل رسول خدا (ص) تمام بدعت‌هایی را که به نام اسلام بر دنیا حاکم است از بین خواهد برد و اسلام را از نو عرضه خواهد کرد. پیامبر اکرم (ص) به فرموده قرآن<sup>۲</sup> با نرمی و عدم خشونت ما قبل خود را بی‌اعتبار کردند این سیره‌ی پیامبر با همه مردم بود و حتی با کافران هم این گونه رفتار می‌کردند و این رفتار ایشان اختصاص به مسلمان‌ها نداشت. امام‌زمان (عج) نیز درباره‌ی کافران همان سیره را کار خواهد بست آیه: *لَانْفُضُوا مِنْ حَوْلِكَ...* پرواضح است که اگر آن حضرت با غیرمسلمانان با لطف و مهربانی برخورد کند با مسلمانان به طریق اولی مهربان خواهد بود.

۲ - مهدی (عج) علاوه بر این که شمائل و اقوالشان شبیه به رسول خداست کارهایش نیز همانند کارهای رسول خداست.<sup>۳</sup>

۳ - هنگامی که حضرت مهدی ظهور کند لباسی همچون جامه‌های حضرت علی (ع) بر تن می‌کند و دقیقاً به سیره‌ی امیرالمؤمنین (ع) عمل خواهد کرد.<sup>۴</sup>

۱ - ج ۲ ص ۳۵۴

۲ - *فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ (سوره آل عمران آیه ۱۵۹)*

۳ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۷۹

۴ - بحارالانوار ج ۴۷ ص ۵۴ و اصول کافی ج ۱ ص ۴۱۱

۴ - از رسول خدا(ص) نقل شده است: شما را به مهدی، مردی از قریش بشارت می‌دهم که... و ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروائی او خشنودند (ینابیع المودة ج ۳ ص ۳۴۴ مُسند احمد ج ۳ ص ۳۷)

۵ - و نیز در روایتی از رسول خدا(ص) آمده است: مردی از امت من قیام می‌کند که مردم زمین و آسمان او را دوست دارند.<sup>۱</sup>

۶ - و از حضرت علی(ع) نیز نقل شده است که فرمودند: چون مردی از فرزندانم ظهور کند چنان گشایشی در کار مردم ایجاد می‌شود که حتی مردگان به دیدار یکدیگر می‌روند و ظهورش را به هم مژده می‌دهند.<sup>۲</sup>

### وحدت رویه و روش امام مهدی و رسول خدا(ص)

سیره امام زمان(عج) دقیقاً همان سیره و روش رسول خدا(ص) است وقتی سیمای آن حضرت نیز مانند سیمای نورانی پیامبر اکرم(ص) است چنان که روایات بسیاری از شیعه و سنی و حتی تاریخ‌نگاران مسیحی آمده است که چهره‌ی رسول خدا(ص) به قدری جذاب بود که حتی دشمن‌ترین دشمنان آن حضرت وقتی چشمشان به چهره‌ی منور ایشان می‌افتاد به گونه‌ای مجذوب آن حضرت می‌شدند که تمام هم و غمشان را فراموش می‌کردند. امام زمان(عج) نیز چنین هستند.

علاوه بر تاریخ و روایات، مهم‌ترین سندی که در خصوص سیره و سلوک رسول خدا(ص) در دست است، قرآن کریم می‌باشد تابلویی که قرآن کریم از چهره‌ی رسول خدا(ص) ترسیم می‌کند چنین است.

۱ - احقاق الحق ج ۱۹۴ ص ۶۶۳

۲ - کمال‌الدین شیخ صدوق ج ۲ ص ۶۵۳



و فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ<sup>۱</sup>. و به (برکت) رحمت الهی در برابر آنان (مردم) نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. و در جای دیگر می‌فرماید:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ<sup>۲</sup>. خداوند متعال از میان شما، فردی را به رسالت فرستاد که فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او گران است و برای نجات و آسایش شما حرص می‌ورزد و خودخوری می‌کند و نسبت به مؤمنان بسی دل‌رحم و مهربان است.

رفتار پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) با مخالفان خود در بحار الانوار<sup>۳</sup> نقل شده است زمانی که مسلمانان پیامبر(ص) را در جنگ احد تنها گذاشتند و خود پی جمع‌آوری غنائم رفتند مشرکان فرصت را غنیمت شمردند پیامبر را محاصره کردند و با شمشیر و نیزه و سنگ و چوب سر و دندان و شانه مبارکش را شکسته و زخمی کردند و اگر امیرالمؤمنین علی(ع) سر نمی‌رسید بی‌تردید پیامبر(ص) را کشته بودند در این هنگام که پیامبر از چنگال مشرکان نجات یافتند به درگاه الهی عرضه داشت اللهم اهدِ قومی فانهم لا يعلمون بار خدایا قوم مرا هدایت فرما که نادانند.

مورد دیگری که پیامبر(ص) قوم خود را دعا کرد در صفا بود به هنگام مراسم حج مشرکان مکه برای بزرگداشت و تقدیس بت‌های خود در مراسم

۱ - سوره آل عمران آیه ۱۵۹

۲ - سوره توبه آیه ۱۲۸

۳ - بحار الانوار ج ۲۰ ص ۲۱

شرکت کرده بودند چون پیامبر را دیدند که با عبارت (قولوا لا اله الا الله تفلحوا) بگوئید خدایی جز خدای یگانه نیست تا رستگار شوید، رسالت خود را به همگان ابلاغ می کرد، پیامبر اکرم(ص) را سنگباران کردند بنا به نقل بحارالانوار سر تا پای پیامبر هدف سنگ‌های مشرکان قرار گرفت و خون از بدن مبارکش جریان یافت به گونه‌ای که زنده بودن او را ناممکن دانستند.

امیرالمؤمنین و حضرت خدیجه را از ماجرا آگاه کردند و آن دو بزرگوار در کنار بدن رنجور آن حضرت حاضر شدند و به مداوا پرداختند.

در روایت آمده است خدا جل و علا فرشته یا فرشتگانی را نزد او فرستاد تا آنچه خواهد برآورده کند فرشته به پیامبر عرض کرد این کوه‌ها که مکه را در میان گرفته است به فرمان من است چنانچه بخواهی کوه‌ها را به یکدیگر نزدیک کنم (تا اهل مکه را در میان خود بفشارد و از بین ببرند) نپذیرفت و فرمود انما بُعِثْتُ رَحْمَةً رَبِّ اِهْدَامَتِي وَاَنْهَم لايَعْلَمُونَ.<sup>۱</sup>

با آن که ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌ها در مکه آن روز زندگی می کردند و از دشمنان سرسخت پیامبر(ص) بودند اما دل پاک و مهربان پیامبر(ص) حتی راضی به نفرین آنان نیز نبود.

حضرت امیرالمؤمنین(ع) نیز همانند پیامبر خدا(ص) اما به صورتی دیگر در معرض آزار قرار داشت و همواره دشمنان او حرمت حضرتش را می شکستند و علیه او تظاهرات می کردند و... اما حضرتش با مهربانی و نرمی با آنان برخورد می کردند و هرگز حاضر نشدند با تندی و خشونت و زندان و قتل و کشتار با آنان رفتار کنند و این رفتارهای مهرآمیز با مخالفان در زمانی بود که امیرالمؤمنین(ع) در رأس قدرت قرار داشتند و حیات اقتصادی و اجتماعی مخالفان در دست ایشان

بود و یکی از فرمایشات گهربار ایشان است که در نهج البلاغه<sup>۱</sup> آمده است (محال است - ابدالدهر - که من از راه ستم بخواهم به پیروزی دست پیدا کنم و به وسیله جور در طلب نصرت برآیم)

یقیناً حضرت مهدی (عج) نیز از همین روش پیروی خواهد کرد در روایت<sup>۲</sup> است از محمد بن بشیر، از محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل کرده است که می گوید: درباره (قائم) پرسیدم:

هنگامی که قائم قیام کند با چه روشی در میان مردم عمل خواهد کرد؟ حضرت فرمودند: با همان شیوه‌ای که پیامبر (ص) در پیش گرفت در میان مردم عمل خواهد کرد تا اسلام فراگیر و غالب شود. و دیگر شیخ مفید (ره) از مفضل بن عمر از امام صادق (ع)<sup>۳</sup> نقل کرده است آنگاه که خدا به قائم اجازه خروج بدهد بر فراز منبر شده مردم را به سوی خود فرا می خواند و به خدا سوگندشان می دهد و سیره‌ی جدش رسول خدا (ص) را در پیش گیرد و همانند او عمل کند.

### سیره سیاسی امام مهدی (عج)

یکی از ویژگی‌های امام مهدی (عج) آنست که او موفق می شود قدرت سیاسی جهان را در دست بگیرد و حکومتی به پهنای تمام کره‌ی زمین تشکیل دهد. تحقق امر نیازمند اخلاقیات و روش‌های اجرایی خاص خود است که لاجرم باید از طریق کارگزاران سطوح بالای حکومتی به منصفی ظهور برسد بر این اساس امام مهدی (عج) در اولین گام تلاش خواهد کرد کسانی را در مصدر امور قرار دهد که به لحاظ ویژگی‌های شخصی و مدیریتی انسان‌هایی توانمند و

۱ - خطبه ۱۲۶

۲ - تهذیب الاحکام ص ۱۵۴ و بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۱

۳ - ارشاد ج ۲ ص ۳۸۲

خودساخته باشند و در اجرای تعهدات خویش دست از پا خطا نکنند و در صورت خطا مورد توبیخ و بازخواست قرار بگیرند با چنین رویکردی و به همان اندازه که نسبت به مردم و مسکینان دل رحم و مهربان است بر مسئولان و کارگزاران حکومتی خود فوق‌العاده سخت‌گیر و حساس است.

مهدی نسبت به مال و دارایی بخشنده نسبت به ناتوانان و مستمندان بسیار مهربان و دل رحم و نسبت به مسئولان و کارگزاران دولت خود بسیار سخت‌گیر خواهد شد.<sup>۱</sup>

حضرت علی(ع) در حدیثی در این مورد می‌فرماید: آگاه باشید که فردا روزی که او ظهور کند فردایی که بر شما ناشناخته است<sup>۲</sup> برخلاف دیگر حاکمان مسئولان و کارگزاران خود به جرم کردار زشتشان کیفر خواهد کرد و آنان را نسبت به سوء رفتارشان مورد بازخواست قرار می‌دهد.

شایان ذکر است که ایشان خود پیش از همه بر خود سخت می‌گیرد و علی‌رغم آن که عموم مردم در سایه‌ی حکومت آن حضرت به رفاه و راحتی دست می‌یابند همانند جدشان امیرالمومنین(ع) به پوشاکی خشن و خوراکی نه چندان گوارا اکتفا می‌کنند.

و ما لباس القائم الا الغلیظ و ما طعامه الا الجشب.<sup>۳</sup>

به خدا سوگند که لباس مهدی پوشاکی خشن و خوراک او غذایی سخت و بی‌خورش است...

حضرت علی(ع) در حدیثی دیگر به بیان نوع روابط امام مهدی(عج) به کارگزارانش پرداخته و آنها را یک عهد و پیمان دوجانبه ارزیابی نموده و

۱ - بشارت المصطفی ص ۲۰۷

۲ - نهج‌البلاغه خطبه ۱۳۸

۳ - الغیبه نعمانی ص ۳۵۹ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۵۴

فرموده‌اند: ایشان پس از آن که سه مرتبه کارگزارانش را می‌آزماید تا از میزان اطاعتشان آگاهی یابد به مدینه می‌روند و به قبر جدش رسول خدا(ص) ملحق می‌شوند پس یارانش هم به دنبال او رهسپار مدینه می‌گردند، اما امام مهدی(عج) همین که حضورشان را در مدینه احساس می‌کنند آهنگ مکه می‌نمایند و این کار را سه بار تکرار می‌کنند سپس در میان صفا و مروه می‌ایستند و رو به آنان می‌گویند: من تصمیم بر هیچ کاری نمی‌گیرم، مگر آن که مطمئن شوم که شما این سی شرط را رعایت می‌کنید و از هیچ یک از آنها سر باز نمی‌زنید و متقابلاً من نیز متعهد می‌شوم که نسبت به شما این شرایط را رعایت کنم آنان می‌گویند بفرما و بگو آنچه را می‌خواهی، همه را می‌پذیریم و از شما فرمانبرداری می‌کنیم، آنگاه امام شرایط بیعت خویش با آنان را به شرح زیر بیان می‌کنند: از من رو مگردانید، دزدی و زنا نکنید، گرد کارهای حرام و فساد و فحشا نگردید، احدی را به ناحق نکشید، طلا و نقره نیندوزید، گندم و جو احتکار نکنید، مسجدی را ویران نسازید، شهادت به ناحق ندهید، مؤمنی را خوار و بی‌مقدار ننمایید، ربا نخورید، در مقابل بلایا و مشکلات صبور باشید، هیچ فرد موحدی را لعنت نکنید، مسکرات نیاشامید، طلا و حریر و دیبا نپوشید، راه را بر کسی نبندید، راه را ناامن نکنید، خون حرامی را نریزید، به مسلمان نیرنگ و نارو نزنید، هیچ کافر و یا منافقی را مُثله نکنید، گرد همجنس بازی نگرایید، لباس‌های ابریشمی نپوشید و خاک را بالشت خویش قرار دهید (خاکی باشید)، زشتی‌های اخلاقی را ناخوش دارید، امر به معروف کرده و از منکر نهی نمایید.

در مقابل، من نیز پیمان می‌بندم که از غیر شما یار نگیرم، جز به مانند لباس و غذای شما نپوشم و نخورم، بر مرکبی همانند مرکب شما سوار شوم، در سفر و حضر همراه شما باشم به اندک رضایت دهم، زمین را سرشار از عدل و داد سازم، آن‌سان که سر ریز از ظلم و ستم گشته است، خدا را چنان عبادت کنم که

شایسته‌ی اوست و به عهدی که با شما دارم وفا می‌کنم، و شما هم به عهد خود وفا کنید.

پس یاران او می‌گویند باشد و با شما بیعت می‌کنیم که اینگونه باشیم و به دنبال آن امام‌مهدی (عج) از تک‌تک آنان بیعت می‌گیرد.<sup>۱</sup>

### سیره قضائی حضرت مهدی (عج)

یکی دیگر از مسائلی که در مورد امام‌زمان (عج) مطرح می‌شود مسئله چگونگی قضاوت آن حضرت می‌باشد.

بعضی معتقدند که یکی از ویژگی‌های امام‌زمان (عج) آن است که آن حضرت در مورد قضاوت بدون درخواست شاهد و بینه از طرف دعوا و تنها براساس علم خویش حکم صادر خواهد کرد.

اینان برای مدعای خویش دلایلی را هم می‌آورند که از جمله‌ی آن دلایل احادیثی است که در این زمینه وجود دارد و مدلول آنها این است که حضرت مهدی (عج) بر طبق علم خود و به سان حضرت داود (ع) به حل دعاوی و رفع اختلافات می‌پردازند.

یک نمونه از این روایات به شرح زیر است:

چون قائم آل محمد قیام کند همچون داود نبی به قضاوت در میان مردم می‌پردازد و به دلیل و برهان نیاز ندارد خدا حقیقت را به او الهام می‌نماید و او بر حسب علم خویش حکم می‌دهد.

اما این روایت از دو جهت اشکال دارد زیرا بر طبق روایتی که در کتاب کافی آمده است:<sup>۲</sup>

۱ - عقدالدرر ص ۹۶، ط قاهره

۲ - ارشاد شیخ مفید ج ۲ صفحه ۳۸۶

اولاً تنها یک مرتبه حضرت داود در مقام قضاوت بر طبق علم خود عمل کردند که آن هم دچار مشکل شدند و پس از آن به دستور خدا همواره از متخاجمین درخواست شاهد و دلیل می کردند و براساس بینه و سوگند به صدور حکم می پرداختند.<sup>۱</sup>

و ثانیاً این روش با شیوهی قضایی رسول خدا(ص) منافات دارد زیرا رسول خدا(ص) همواره می فرمودند:

من تنها براساس سوگند و اقامه‌ی شواهد و گواه در میان شما به داوری می پردازم. بنابراین اگر در موردی حکم صادر کردم که مثلاً فلان زمین از آن فلان شخص است ولی در واقع این گونه نباشد او حق تصرف در آن را ندارد و حکم من او را مالک زمین نمی کند.<sup>۲</sup>

بنابراین با توجه به این که حضرت مهدی(عج) شبیه‌ترین مردم به رسول خدا(ص) است و ظهورش برای اجرای شریعت و احیای سنت اوست قابل قبول نیست که روشی غیر از روش رسول خدا(ص) اتخاذ نماید و بدون طلب دلیل و شاهد به قضاوت میان مردم پردازد و انگهی در روایات معتبر و مستفیض آمده است.

یحکم بحکم داود بالبینة و الیمین، او مانند داود(ع) براساس گواه و سوگند داوری خواهد کرد.

حضرت داود(ع) از خدا فرمان یافت تا به حق داوری کند این فرمان را از قرآن کریم بدین گونه بیان کرده است.

و یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق...<sup>۳</sup>

۱ - کافی کلینی ج ۷ ص ۴۱۴ ج ۳

۲ - کافی جلد ۷ ص ۴۱۴ ج یک

۳ - سوره ص آیه ۲۶

ای داود(ع) ما تو را جانشین خود در زمین قرار دادیم، پس براساس حق داوری کن.

حضرت داود(ع) به درگاه خدا عرضه داشت (قریب به این مضمون) بار خدایا، فرد دروغگو می‌داند که به ناحق ادعای مالکیت خانه دارد و صاحب حق می‌داند راست می‌گوید و حق از آن اوست تکلیف چیست؟

خطاب رسید: **اقض بینهم بالبینات و اضعهم الی اسمی یحلفون به**<sup>۱</sup>: از آنان گواه بخواه و به نام من سوگندشان ده... می‌بینیم که داود(ع) مأمور است تا براساس ظواهر داوری کند و البته هرکسی ناحق خواه باشد بی‌تردید عذاب خدا در انتظار اوست.

شیخ مفید(ره) نقل می‌کند که در آن بیان شده است که حضرت مهدی(عج) طبق روش حضرت داود و حضرت محمد(ص) بین مردم قضاوت خواهند کرد و چنان که گفته شد پیامبراکرم(ص) فقط با بیّنه و قسم بین مردم قضاوت می‌کردند و این تقارب بین چگونگی قضاوت داود و پیامبراکرم(ص) بر این دلالت دارد که روش حضرت داود(ع) در قضاوت بر این گونه بوده است.

## روایت

آنگاه که (قائم) قیام می‌کند به عدالت داوری کند و در زمان او ظلم و ستم از بین می‌رود و راه‌ها را امن می‌کند و زمین برکات خود را عرضه می‌دارد او (قائم) مانند قضاوت و داوری حضرت داود و حضرت محمد(ص) در میان مردم قضاوت خواهد کرد.<sup>۲</sup>

۱ - تهذیب شیخ طوسی ج ۶ ص ۲۲۸

۲ - ارشاد مفید ج ۲ ث ۳۸۴ خلاصه‌ای از صفحه ۳۰ الی ۶۵.



البته در مواردی معصومین(ع) براساس واقع عمل کرده‌اند اما باید توجه داشت که سیره‌ی جاری آنان بر این نبوده است.<sup>۱</sup>

## اعتراف دانشمندان عامه

مشهور در میان مورخان و محدثان این است که ولادت باسعادت آن کعبه‌ی مقصود و قبله‌ی موعود در پگاه روز جمعه ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری واقع شده که اینک یک هزار و یک صد و هفتاد و هشت سال از آن روز پرشکوه می‌گذرد.<sup>۲</sup>

اصل ولادت حضرت مهدی(عج) از ضروریات مذهب و از مسلمات تاریخ است و گذشته از امامان معصوم، عالمان، مورخان و محدثان شیعه، بسیاری از مورخان و محدثان اهل سنت نیز به آن اعتراف کرده، در کتاب‌های پراچ خود به آن تصریح کرده‌اند که گفتار تعدادی از آنها را به عنوان نمونه در اینجا می‌آوریم:

این گروه از علمای اهل سنت انصاف به خرج داده، تاریخ تولد حضرت ولی عصر روحی فداه را دقیقاً همانند علمای شیعه در ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری نوشته‌اند که در این فرصت کوتاه به تعدادی از آنها دست یافتیم و اینک اسامی بیست تن از آنها به ترتیب تقدّم زمانی:

۱ - ابوبکر احمد بن حسین بن علی بیهقی شافعی، متوفای ۴۵۸ ه. در کتاب «شعب الایمان»<sup>۳</sup>

---

۱ - شمیم رحمت سیره حکومتی امام زمان(عج) سخنرانی حضرت آیت‌الله العظمی سیدصادق شیرازی.

۲ - اثبات الهداة: ج ۳ ص ۵۰۷، اثبات الوصیة: ص ۱۹۵، ارشاد مفید: ص ۳۴۶، اصول کافی: ج ۱ ص ۴۳۱.

اعلام الوری: ص ۳۹۳، اعیان الشیعه: ج ۲ ص ۴۴، الزام الناصب: ج ۱ ص ۳۱۷، الامام المهدی: ص ۹، بحارالانوار: ج ۵۱ ص ۱، البرهان: ص ۶۴، جوهرة الکلام: ص ۱۵۷، الذخيرة الى المعاد: ص ۳۲۷، غیبت شیخ

طوسی: ص ۱۴۱، کشف الاستار: ص ۵۸، کشف الغمّه: ج ۳ ص ۲۳۶، کمال‌الدین صدوق: ج ۲ ص ۴۳۰.

المجالس السنیه: ج ۵ ص ۴۷۹، منتخب الاثر: ص ۳۲۰، نجم ثاقب: ص ۱۱ و یوم الخلاص: ص ۸۶.

۳ - المهدی الموعود المنتظر: ج ۱ ص ۱۸۲.

- ۲ - شمس‌الدین احمد بن محمد، ابن خلکان، متوفای ۶۸۱ هـ.<sup>۱</sup>
- ۳ - حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی، متوفای حدود ۷۵۰ هـ.<sup>۲</sup>
- ۴ - ابوالولید محمد ابن شحنة حنفی، متوفای ۸۱۵ هـ.<sup>۳</sup>
- ۵ - حافظ محمد بن محمد بن محمود نجار، معروف به خواجه پارسا، متوفای ۸۲۲ هـ. در کتاب «فصل الخطاب»<sup>۴</sup>
- ۶ - علی بن محمد بن احمد، معروف به ابن صباغ، متوفای ۸۵۵ هـ.<sup>۵</sup>
- ۷ - غیاث‌الدین بن همام‌الدین، معروف به خواندمیر، متوفای ۹۴۲ هـ.<sup>۶</sup>
- ۸ - شمس‌الدین، محمد ابن طولون دمشقی حنفی، متوفای ۹۵۳ هـ.<sup>۷</sup>
- ۹ - عبدالوهاب شعرانی شافعی، متوفای ۹۷۳ هـ.<sup>۸</sup>
- ۱۰ - احمد ابن حجر هیثمی مکی، متوفای ۹۷۴ هـ.<sup>۹</sup>
- ۱۱ - سیدجمال‌الدین عطاءالله بن سید غیاث‌الدین محدث صاحب کتاب «روضه الأحاب» متوفای ۱۰۰۰ هـ.<sup>۱۰</sup>
- ۱۲ - احمد بن یوسف دمشقی قرمانی، متوفای ۱۰۱۹ هـ.<sup>۱۱</sup>

---

۱ - وفيات الاعیان: ج ۴ ص ۱۷۶.

۲ - تاریخ گزیده: ص ۲۰۷.

۳ - روض المناظر: ج ۱ ص ۲۹۴

۴ - ینابیع المودّة: ص ۴۵۱.

۵ - الفصول المهمة: ص ۲۲۷.

۶ - حبيب السیر: ج ۲ ص ۱۰۰.

۷ - ائمة اثنا عشر: ص ۱۱۷.

۸ - اليواقیت و الجواهر: ج ۲ ص ۱۴۵.

۹ - الصواعق المحرقة: ص ۱۶۷.

۱۰ - كشف الاستار: ص ۶۴

۱۱ - اخبار التول: ص ۱۱۷.

- ۱۳ - عبدالله بن محمد بن عامر شبراوی شافعی، متوفای بعد از ۱۱۵۴ ه. <sup>۱</sup>
- ۱۴ - محمد بن احمد سفارینی نابلسی حنبلی، متوفای ۱۱۸۸ ه. <sup>۲</sup>
- ۱۵ - مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی، متوفای بعد از ۱۲۹۰ ه. <sup>۳</sup>
- ۱۶ - سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ه. <sup>۴</sup>
- ۱۷ - حسن عدوی حمزاوی مالکی مصری، متوفای ۱۳۰۳ ه. <sup>۵</sup>
- ۱۸ - شهاب‌الدین احمد بن احمد حلوانی، متوفای ۱۳۰۸ ه. <sup>۶</sup>
- ۱۹ - قاضی بهلول بهجت افندی، متوفای ۱۳۵۰ ه. <sup>۷</sup>
- ۲۰ - خیرالدین زرکلی، متوفای ۱۳۹۶ ه. <sup>۸</sup>

نامبردگان که همگی از مشاهیر علمای اهل سنت هستند، در آثار گرانقدر خود تصریح کرده‌اند که ولادت حضرت ولی عصر (عج) در شب جمعه ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری واقع شده است.

برخی دیگر از علمای اهل سنت روز و ماه آن را تعیین نکرده‌اند، ولی تصریح کرده‌اند که حضرت مهدی (عج) در سال ۲۵۵ هجری جهان را با نور خود منور فرموده است، که از آن جمله است:

- ۱ - عمادالدین اسماعیل ابوالفداء، متوفای ۷۳۲ ه. <sup>۹</sup>

---

۱ - الاتحاف بحب الأشراف: ص ۱۷۸.

۲ - لوائح الأنوار: ج ۲ ص ۶۸

۳ - نور الأبصار: ص ۲۴۳.

۴ - ینابیع المودة: ص ۴۵۱.

۵ - مشارق الأنوار: ص ۱۱۳.

۶ - العطر الوردی: ص ۴۹.

۷ - تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد: ص ۱۶۴.

۸ - الأعلام زرکلی: ج ۶ ص ۸۰.

۹ - المختصر فی تاریخ البشر: ج ۲ ص ۴۵.

۲ - زین‌الدین عمر بن منظر، ابن وردی، متوفای ۷۴۹ هـ.<sup>۱</sup>

برخی از آنان همه‌ی مشخصات را دقیقاً همانند شیعیان نوشته‌اند، جز این که به جای نیمه‌ی شعبان، نیمه‌ی رمضان ۲۵۵ هـ. ثبت کرده‌اند، که از آن جمله است: عبدالرحمن صوفی از مشایخ شاه ولی‌الله دهلوی، در کتاب «الانتباه فی سلاسل اولیاء الله»<sup>۲</sup>

و برخی از آنها میلاد مسعود آن مهر تابان را در سال‌های ۲۵۸ و ۲۵۹ نوشته‌اند که از آن جمله است:

۱ - ابن ارزق فارقی، متوفای ۵۹۰ هـ. که در کتاب «تاریخ میافارقین» ولادت آن حضرت را در ۱۹ ربیع‌الاول ۲۵۸ هـ. نوشته است.<sup>۳</sup>

۲ - کمال‌الدین محمد ابن طلحه شافعی، متوفای ۶۵۲ هـ. که ولادت آن حضرت را در ۲۳ رمضان ۲۵۸ هـ. نوشته است.<sup>۴</sup>

۳ - حسین بن محمد بن حسن مالکی دیار بکری، متوفای ۹۶۶ هـ. که او نیز ۲۳ رمضان ۲۵۸ هـ. را قید کرده است.<sup>۵</sup>

۴ - شمس‌الدین سامی افند، متوفای ۱۳۲۲ هـ. که ولادت آن کعبه‌ی مقصود را در سال ۲۵۹ هـ. نوشته است.<sup>۶</sup>

گروهی از علمای اهل سنت در کتاب‌های خود به تناسب‌های مختلف از حضرت بقیة‌الله (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا) گفتگو کرده‌اند و تصریح نموده‌اند که او فرزند بلافصل امام حسن عسگری(ع) می‌باشد. اینها

۱ - تاریخ ابن وردی: ج ۱ ص ۳۱۸.

۲ - کشف‌الاستار: ص ۸۱.

۳ - وفيات الاعیان: ج ۳ ص ۳۱۶.

۴ - مطالب السؤل: ص ۸۸.

۵ - تاریخ الخمیس: ج ۲ ص ۳۲۱.

۶ - قاموس الاعلام ترکی: ج ۶ ص ۴۴۹۵.

اگرچه از تاریخ دقیق تولد حضرت ولی عصر (عج) بحث نکرده‌اند، ولی نظر به این که در مورد وفات امام حسن عسگری (ع) هیچ اختلاف نیست و همه‌ی مورخان شیعه و سنی وفات آن حضرت را به سال ۲۶۰ هجری نوشته‌اند، لذا محدثان و مورخانی که تصریح می‌کنند که حضرت مهدی فرزند بلافصل امام حسن عسگری است، در واقع اعتراف می‌کنند که حضرت مهدی (ع) پیش از آن تاریخ دیده به جهان گشوده است.

این اعتراف‌ها مشت محکمی است بر دهان یاوه‌گویانی که نغمه‌ی «مهدی نوعی» ساز می‌کنند!

به دلیل اهمیت این معنی، فهرست اعترافات تعدادی از بزرگان علمای اهل سنت را که تصریح کرده‌اند حضرت مهدی فرزند بلافصل امام حسن عسگری است به ترتیب تقدم زمانی در اینجا می‌آوریم:

۱ - حافظ ابو محمد بلاذری، متوفای ۳۳۹ هـ . که قسمت اعظم عمر خود را در غیبت صغری سپری کرده و ده سال هم از غیبت کبری را درک نموده است، به پیشگاه آن مهر تابان تشریف یافته، به استماع حدیثی از آن بزرگوار مفتخر شده است.

متن این حدیث را عبدالعزیز دهلوی، متوفای ۱۲۳۹ هـ . که از دشمنان سرسخت عالم تشیع است، در کتاب «نزهه» از پدرش شاه ولی‌الله دهلوی نقل می‌کند، که او نیز در کتاب «مسلسلات» با سلسله‌ی سندش از ابن عقله، از بلاذری نقل کرده است.<sup>۱</sup>

۲ - علی بن حسین مسعودی، متوفای ۳۴۶ هـ . که قسمتی از غیبت صغری را درک نموده، به هنگام بحث از امام حسن عسگری (ع) می‌نویسد: «او پدر مهدی منتظر، امام دوازدهم شیعیان است»<sup>۲</sup>

۱ - استقصاء الافحام: ص ۱۱۹.

۲ - مروج الذهب: ج ۲ ص ۴۴۱، التنبیه و الاشراف: ص ۱۹۸.

- ۳ - ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف خوارزمی، متوفای ۳۸۳ هـ . از حضرت مهدی (ع) به عنوان فرزند بلافصل امام حسن عسگری (ع) نام برده و سلسله‌ی نسب آن حضرت را تا امیرالمؤمنان (ع) برشمرده است.<sup>۱</sup>
- ۴ - یحیی بن سلامه خصکی شافعی، متوفای ۵۵۳ هـ . در قصیده‌ی دالیه‌ی خود، اسامی مقدس ۱۲ امام معصوم را به نظم درآورده و بعد از امام حسن عسگری (ع) از حضرت ولی عصر (ع) و غیبت آن حضرت بحث کرده است.<sup>۲</sup>
- متن قصیده‌ی او را قندوزی نقل کرده است.<sup>۳</sup>
- ۵ - ابومحمد عبدالله بن احمد بن احمد ابن خشاب، متوفای ۵۶۷ هـ . در کتاب «تاریخ موالید» تصریح می‌کند که خلف صالح از فرزندان امام حسن عسگری است و نام مادرش نرجس و یا سوسن است.<sup>۴</sup>
- ۶ - موفق بن احمد مکی، متوفای ۵۶۸ هـ . و مشهور به: «اخطب خوارزم» با سلسله اسناد خود از رسول اکرم (ص) روایت می‌کند که در شب معراج انوار تابناک امامان معصوم را در سمت راست عرش مشاهده کرده، اسامی فرد آنها را بیان نموده، سپس می‌فرماید: مهدی در میان آنها چون ستاره‌ای فروزان می‌درخشید، خداوند فرمود: «ای محمد! اینها حجت‌های من هستند و او منتقم عترت تست، که به عزت و جلال خود سوگند: او حجت واجبه بر دوستان من است، و انتقام گیرنده از دشمنان من است»<sup>۵</sup>

۱ - مفاتیح العلوم: ص ۳۳.

۲ - تذکره ابن جوزی: ص ۳۶۵.

۳ - ینابیع الموده: ص ۴۷۴.

۴ - نجم ثاقب: ص ۱۱۹.

۵ - مقتل خوارزمی: ج ۱ ص ۹۶.

۷ - کمال‌الدین محمد ابن طلحه‌ی شافعی، متوفای ۶۵۰ هـ. تصریح کرده که خلف صالح مهدی منتظر(ع) فرزند بلافصل امام حسن عسگری(ع) است. آنگاه نسب او را تا حضرت علی(ع) برشمرده است.<sup>۱</sup>

۸ - شمس‌الدین یوسف بن قزاغلی حنفی، معروف به سبط ابن جوزی، و متوفای ۶۵۴ هـ. تصریح کرده که آن کعبه‌ی مقصود فرزند بلافصل امام حسن عسگری(ع) است، و سلسله‌ی نسب آن حضرت را تا حضرت علی(ع) برشمرده است.<sup>۲</sup>

۹ - محمد بن یوسف گنجی شافعی، متوفای ۶۵۸ هـ هنگامی که از زندگانی امام حسن عسگری(ع) بحث می‌کند می‌نویسد: از او فقط یک پسر باقی ماند و او امام منتظر صلوات‌الله‌علیه است.<sup>۳</sup>

نامبرده در کتاب پراج «البيان في اخبار صاحب الزمان» بابی را به پاسخ شبهات اختصاص داده، با دلایل قطعی اثبات کرده که حضرت مهدی(ع) از روزی که غائب شده تا به امروز زنده است، و چنین عمر طولانی از نظر عقل و شرع هیچ مانعی ندارد.<sup>۴</sup>

۱۰ - عزالدین علی ابن اثیر متوفای ۶۳۰ هـ. در تاریخ پراج «کامل» به هنگام بحث از امام حسن عسگری(ع) تصریح می‌کند که او پدر مهدی منتظر است.<sup>۵</sup>

۱۱ - محی‌الدین ابن عربی، متوفای ۶۳۷ هـ. در فتوحات مکیه باب ۳۶۶ می‌گوید:

۱ - مطالب السئول: ص ۸۸

۲ - تذکره الخواص ص ۸۸

۳ - کفایة الطالب: ص ۳۱۲.

۴ - البيان: ص ۱۴۸ - ۱۵۹.

۵ - کامل ابن اثیر: ج ۱۲ ص ۱۲۹.

«مهدی از عترت رسول خداست. او از فرزندان حضرت فاطمه است. جدش حسین بن علی است. پدر او امام حسن عسگری، پسر امام علی النقی، پسر امام محمدتقی، پسر امام رضا، پسر امام کاظم، پسر امام صادق، پسر امام باقر، پسر امام زین العابدین، پسر امام حسین، پسر امام علی (ع) است».

این فراز از گفتار ابن عربی در نسخه‌های چاپی فتوحات تحریف شده است. ولی نسخه‌های تحریف نشده‌ی آن در اختیار بزرگان اهل سنت بوده، و در کتاب‌هایشان منعکس است، که به دو نمونه‌ی آن دست یافته‌ایم:

۱ - امام عبدالوهاب شعرانی، متوفای ۹۷۳ هـ . متن کامل باب ۳۶۶ فتوحات مکیه را آورده.<sup>۱</sup>

۲ - شیخ حسن عدوی حمزاوی، متوفای ۱۳۰۳ هـ . نیز قسمت عمده‌ی این باب را بدون کم و کاست آورده است.<sup>۲</sup>

دسترسی این دو دانشمند به متن تحریف نشده‌ی فتوحات در قرن‌های دهم و سیزدهم نشانه‌ی آن است که در طول قرن‌ها نسخه‌های آن سالم بوده، بعد از پیدایش چاپ به تحریف آن دست یازیده‌اند.

تحریف آثار گذشتگان جنایت بسیار بزرگی است که قدر و اعتبار میراث گرانبهای جهان اسلام را زیر سؤال می‌برد که با کمال تأسف در چند کشور از جمله مصر رایج می‌باشد!<sup>۳</sup>

۱۲ - ابراهیم بن محمد جوینی، متوفای ۷۰۳ هـ . حدیثی را روایت می‌کند که تصریح دارد بر این که امام بعد از امام حسن عسگری (ع) فرزند برومندش قائم منتظر (عج) است، که به هنگام ظهور بر سراسر جهان هستی فرمانروایی خواهد داشت.<sup>۱</sup>

۱ - الیواقیت و الجواهر: ج ۲ ص ۱۴۵.

۲ - مشارق الانوار: ص ۱۱۲.

۳ - در کتاب جزیره‌ی خضراء ص ۲۲۱.



وی همچنین از رسول اکرم(ص) روایت می‌کند که در شب معراج انوار طیبه‌ی علی و فاطمه و دیگر امامان معصوم را در طرف راست عرش مشاهده نموده، که همگی صف کشیده به عبادت حق تعالی پرداخته‌اند و مهدی در میان آنها چون ستاره‌ی درخشانی تجلی می‌کند.<sup>۲</sup>

۱۳ - صلاح‌الدین صفوی، متوفای ۷۴۶ ه. در کتاب «شرح دائره» تصریح می‌کند که مهدی موعود دوازدهمین امام معصوم است که اول آنها علی بن ابیطالب و آخر آنها حضرت مهدی است.<sup>۳</sup>

۱۴ - ابو عبدالله عفیف الدین اسعد بن علی بن سلیمان یافعی شافعی، متوفای ۷۶۸ ه. در پیرامون امام حسن عسگری(ع) ک بحث می‌کند و در پایان می‌نویسد: او پدر امام منتظر و صاحب سرداب است.<sup>۴</sup>

۱۵ - عبدالله بن محمد مطیری شافعی، در کتاب «الریاض الزاهرة» تصریح می‌کند که او پسر امام حسن عسگری(ع)، صاحب شمشیر و قائم منتظر است و برای او دو غیبت است.<sup>۵</sup>

۱۶ - شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد ذهبی شافعی، متوفای ۸۰۴ ه. تصریح کرده که حضرت بقیه‌الله روحی فداه فرزند امام حسن عسگری(ع) است و هنوز زنده است، تا خداوند فرمان ظهور دهد و زمین را پر از عدل فرماید.<sup>۶</sup>

۱ - فرائد السمطين: ج ۲ ص ۳۳۸.

۲ - همان مدرک: ص ۳۲۰.

۳ - ينابيع الموده: ص ۴۷۱.

۴ - مرآت الجنان: ج ۲ ص ۱۰۷ و ۱۷۲.

۵ - المهدي الموعود المنتظر: ج ۱ ص ۲۰۶.

۶ - دول الاسلام: ج ۱ ص ۱۲۲.

۱۷ - ابوالمعالی محمد بن عبدالله بن مبارک رفاعی مخزومی، متوفای ۸۸۵ هـ . در کتاب «صلاح الاخبار فی نسب السادة الفاطمية الاطهار» تصریح می کند که ولی الله اعظم امام زمان (عج) فرزند بلافصل امام حسن عسگری (ع) است.

۱۸ - عبدالرحمن بن احمد بن قوام الدین شافعی، معروف به جامی، متوفای ۸۹۸ هـ . در کتاب پراج «شواهد النبوة» داستان ولادت آن حضرت را مشروحاً نوشته، و از عده‌ای از اصحاب امام حسن عسگری (ع) نام برده که در عهد امام حسن عسگری (ع) به دیدار آن جمال الهی نائل گشته‌اند. آنگاه سخنان خود را با اشعار نغزی حسن ختام داده که مطلعش این است:

بیا ای امام هدایت شعار      که بگذشت از حد غم انتظار  
ز روی همایون برافکن نقاب      عیان ساز رخسار چون آفتاب<sup>۱</sup>

۱۹ - احمد بن حجر هیثمی مکی، متوفای ۹۷۴ هـ . در کتاب: «الصواعق المحرقة» که آن را به عنوان ردّ بر شیعیان نوشته، شرح حال کوتاهی از امامان معصوم علیهم السلام آورده، در پایان شرح حال امام حسن عسگری (ع) می نویسد: «به سن ۲۸ سالگی در سامرا درگذشت و کنار پدرش به خاک سپرده شد، گفته می شود او نیز به وسیله سمّ از دنیا رفته است».

سپس می افزاید: «جز فرزندش ابوالقاسم محمد حجت جانشینی بر جای نگذاشت، که به هنگام وفات پدرش پنج ساله بود، و لکن در آن سن و سال خداوند حکمت به او عطا فرموده بود»<sup>۲</sup>

۱ - متن کامل این اشعار در حبیب السیر: ج ۲ ص ۱۱۳ آمده است.

۲ - الصّواعق المحرقة: ص ۲۰۸

۲۰ - محمد بن علی صبان مصری شافعی، متوفای ۱۲۰۶ هـ. نیز تصریح کرده که آن مهر تابان فرزند بلافضل امام حسن عسگری(ع) است و سلسله نسب او را تا امیرمومنان(ع) نوشته، قسمتی از مناقب آن حضرت را برشمرده است.<sup>۱</sup>

اینها گروهی از بزرگان اهل سنت هستند که در کتاب‌های خود در مورد حضرت مهدی(ع) به کلی گویی اکتفا نکرده‌اند، بلکه به صراحت گفته‌اند که مهدی موعود فرزند بلافضل امام حسن عسگری(ع) است. اما در مورد اصل مهدویت حتی یک نفر هم یافت نمی‌شود که منکر ظهور مصلح جهانی در آخرالزمان باشد. در این زمینه روایتی نیز از رسول اکرم(ص) در کتب اهل سنت نقل شده که هر کس حضرت مهدی را انکار کند کافر است، و گروهی از علمای اهل سنت بر طبق آن فتوی داده‌اند. متن حدیث این است:

ابوبکر اسکاف در «فوائد الاخبار» و ابوالقاسم سهیلی در «شرح السیره روایت کرده‌اند از جابر بن عبدالله انصاری که رسول اکرم(ص) فرمود: «مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ»: «هر کس حضرت مهدی را انکار کند کافر است»<sup>۲</sup>

داستان ولادت حضرت بقیةالله روحی و ارواح العالمین له الفدا در احادیث شیعه با شرح و تفصیلات بیشتری منعکس شده است.

قدیمی‌ترین کتابی که مشروح داستان ولادت آن حضرت را نوشته، کتاب پیراج «غیبت» از فضل بن شاذان است.

فضل بن شاذان ازدی، از اصحاب امام رضا(ع)، عمر طولانی و بابرکتی داشت، که همه‌ی آن را در دفاع از حریم تشیع سپری کرد و بیش از ۱۸۰ جلد

۱ - اسعاف الراغبین: ص ۱۴۲.

۲ - عقد الدرر: ص ۱۵۷ و الروض الانف: ج ۲ ص ۴۳۱.

کتاب پراج از خود به یادگار گذاشت و سرانجام در سال ۲۶۰ هـ دیده از جهان فروبست.<sup>۱</sup>

وی در کتاب غیبت خود ولادت آن مهر تابان را از امام حسن عسگری(ع) چنین نقل می‌کند:

«ولی خدا، حجت خدا و خلیفه‌ی او بعد از من، در شب ۱۵ شعبان به سال ۲۵۵ به هنگام طلوع فجر، به صورت ختنه شده متولد گردید».

«نخستین کسی که او را شستشو داد، «رضوان» خازن بهشت بود که با جمعی از فرشتگان مقرب او را با آب کوثر و سلسبیل شستشو داد و سپس عمه‌ام «حکیمه» او را شستشو داد»<sup>۲</sup>

امام حسن عسگری(ع) در شب ولادت امام زمان(ع) از یک زن صالحه‌ای که شیعه نبود به عنوان قابله دعوت فرمود تا در آن لحظات حساس حضور داشته باشد و در میان قوم خود حجت باشد، چنان که خداوند گروهی از بستگانش را به دست او هدایت نمود.<sup>۳</sup>

دودمان امامت از یک طرف تلاش می‌کرد که خبر ولادت آن مهر تابان را مکتوم بدارد تا به گوش جاسوسان رژیم نرسد، و از یک طرف سعی می‌کرد که این خبر مسرت‌بخش به همه‌ی خانه‌های شیعیان برسد، از این رهگذر نامه‌ها نوشته به شهرها فرستادند، گوسفندها خریده به خانه‌های شیعیان فرستادند تا به عنوان عقیقه‌ی حضرت مهدی(عج) ذبح کرده، اطعام کنند.<sup>۴</sup>

۱ - فهرست شیخ طوسی: ص ۱۵۰ و رجال نجاشی ص ۲۳۵.

۲ - رساله تواریخ النبی و الال، از محمد تقی تستری، صاحب قاموس الرجال ص ۴۳.

۳ - غیبت شیخ طوسی: ص ۱۴۵.

۴ - کمال‌الدین صدوق: ص ۴۳۱، غیبت شیخ طوسی: ص ۱۵۱ و یوم‌الخلاص ص ۶۶.

## ضرورت شناخت امام زمان (ع)

از دلایل عقلی و نقلی فراوانی استفاده می‌شود که باید همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی اعصار و امصار، امام زمان خود را بشناسند، وگرنه رشته‌ی اتصال آنان از آئین مقدس اسلام گسسته، به عهد بربریت و جاهلیت خواهند پیوست.

در این گفتار ما درصدد برشمردن دلایل عقلی و نقلی این حقیقت نیستیم، بلکه تنها از اسناد و مدارک حدیث معروف: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»: سخن خواهیم گفت و تعبیرهای مختلف این حدیث شریف را به مقداری که در یک مقال بگنجد برخواهیم شمرد.

با توجه به این که این حدیث با تعبیرهای مختلفی در منابع اهل تشیع و تسنن آمده، متون وارده را با دقت کامل بررسی کرده، در سه بخش به خوانندگان گرامی تقدیم می‌نماییم:

- ۱ - متونی که عیناً - بدون هیچ کم و زیاد - در منابع شیعه و سنی آمده است.
- ۲ - متونی که فقط در منابع اهل سنت آمده است.
- ۳ - متونی که فقط در منابع شیعه وارد شده است.

\*\*\*

بخش اول:

متونی که در منابع شیعه و سنی بدون هیچ کم و کاست آمده:

- ۱ - «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.»

این متن مشهورترین متن این حدیث شریف است که جمع کثیری از علمای شیعه و سنی آن را با سلسله اسناد خود، در کتاب‌های حدیثی، تفسیری و کلامی از رسول گرامی اسلام (ص) روایت کرده‌اند.  
و اینک راویان این حدیث با این تعبیر از علمای شیعه:

- ۱ - سیدمرتضی علم‌الهدی، متوفای ۴۳۶ هـ.<sup>۱</sup>
  - ۲ - امین‌الاسلام، ابوعلی، فضل بن حسن طبرسی، متوفای ۵۴۸ هـ.<sup>۲</sup>
  - ۳ - علی بن عیسی اربلی، متوفای ۶۹۳ هـ.<sup>۳</sup>
  - ۴ - علی بن حسین بن عبدالعالی، مشهور به «محقق کرکی» متوفای ۹۴۰ هـ.<sup>۴</sup>
  - ۵ - شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی، مشهور به «شیخ بهائی» متوفای ۱۰۳۰ هـ.<sup>۵</sup>
  - ۶ - ملا محسن فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ هـ.<sup>۶</sup>
  - ۷ - محمد بن حسن، مشهور به «شیخ حرّ عاملی» متوفای ۱۱۰۴ هـ.<sup>۷</sup>
  - ۸ - مولی محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ.<sup>۸</sup>
- و اما راویان این حدیث شریف به همین تعبیر از اهل سنت:
- ۱ - مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ هـ.<sup>۹</sup>
  - ۲ - قاضی عبدالجبار معتزلی، متوفای ۴۱۵ هـ.<sup>۱۰</sup>
  - ۳ - محمد بن فتوح حمیدی، متوفای ۴۸۸ هـ.<sup>۱۱</sup>
  - ۴ - مسعود بن عمر بن عبدالله، مشهور به «سعدالدین تفتازانی» متوفای ۷۹۱ هـ.<sup>۱۲</sup>

۱ - الذخيرة فی الکلام: ص ۴۹۵

۲ - اعلام الوری: ص ۴۱۵

۳ - کشف الغمة: ج ۳ ص ۳۱۸

۴ - نفحات الالهوت: ص ۱۳ و ترجمه‌ی آن: ص ۲۳

۵ - اربعین شیخ بهائی: ص ۲۰۶

۶ - گلزار قدس، به نقل سفینه البحار: ج ۶ ص ۷۵

۷ - وسائل الشیعه: ج ۱۶ ص ۲۴۶

۸ - بحار الانوار: ج ۸ ص ۳۶۸، ج ۳۲ ص ۳۲۱ و ۳۳۱، ج ۵۱ ص ۱۶۰، ج ۶۸ ص ۳۳۹

۹ - صحیح مسلم، به نقل ملا علی قاری در خاتمه‌ی «الجواهر المضية» ج ۲ ص ۴۷۵ (الغدیر: ۱۰/۳۶۰)

۱۰ - المغنی: ج ۱ ص ۱۱۶ (شناخت امام ص ۳۴)

۱۱ - الجمع بین الصحیحین حمیدی: ج ۲ ص ۳۰۶

۱۲ - شرح المقاصد: ج ۵ ص ۲۳۹

- ۵ - علی بن سلطان، مشهور به «ملا علی قاری»<sup>۱</sup>
- ۶ - مولی حیدر علی فیض آبادی هندی، متوفای ۱۲۰۵ ه.<sup>۲</sup>
- ۷ - حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، متوفای ۱۲۹۴ ه.<sup>۳</sup>
- ۲ - «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ فَقَدْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:
- در این متن فقط کلمه‌ی «فَقَدْ» بر متن نخستین افزوده شده و مفهوم حدیث را با تاکید بیشتری بیان می‌کند.
- این متن را از علمای بزرگ شیعه: ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب، متوفای ۵۸۸ ه. روایت کرده<sup>۴</sup> و از علمای اهل سنت گروهی آن را نقل کرده‌اند که از آن جمله است:
- ۱ - شیخ ابوسعید خادمی حنفی، متوفای ۱۱۶۸ ه.<sup>۵</sup>
- ۲ - قاضی بهلول بهجت افندی، مشهور به «قاضی زنگنه زوری» متوفای ۱۳۵۰ ه.<sup>۶</sup>
- ۳ - «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:
- «هرکس بدون امام از دنیا برود به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».
- راویان حدیث شریف از علمای شیعه:
- ۱ - محمد بن محمد بن نعمان، مشهور به «شیخ مفید» متوفای ۴۱۳ ه.<sup>۷</sup>

۱ - الجواهر المضية: ج ۲ ص ۵۰۹ (شناخت امام ص ۴۱)

۲ - ازالة الغین (شناخت امام ص ۴۲)

۳ - ینابیع المودة: ج ۳ ص ۳۷۲

۴ - مناقب آل ابیطالب: ج ۱ ص ۳۰۴

۵ - بريقة المحمودية: ج ۱ ص ۱۱۶ (احقاق: ۶۵۱/۱۹)

۶ - تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد: ص ۱۶۶

۷ - اختصاص شیخ مفید ص ۲۶۸

- ۲ - محمد بن مسعود بن عیاش سلمی، از بزرگان قرن سوم هجری.<sup>۱</sup>
- ۳ - شیخ محمد مشهدی، از علمای قرن دوازدهم هجری.<sup>۲</sup>  
و اما راویان آن از علمای بزرگ اهل سنت:
- ۱ - ابوداود سلیمان بن داود طیالسی، متوفای ۲۰۴ ه.<sup>۳</sup>
- ۲ - احمد حنبل پیشوای حنابله، متوفای ۲۴۱ ه.<sup>۴</sup>
- ۳ - ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی، متوفای ۳۶۰ ه.<sup>۵</sup>
- ۴ - عبدالحمید، ابن ابی الحدید معتزلی، متوفای ۶۵۶ ه.<sup>۶</sup>
- ۵ - نورالدین علی بن ابی بکر هیثمی، متوفای ۸۰۷ ه.<sup>۷</sup>
- ۶ - علی بن حسام‌الدین، مشهور به «متقی هندی» متوفای ۹۷۵ ه.<sup>۸</sup>
- ۷ - محمد بن سلیمان مغربی، متوفای ۱۰۹۴ ه.<sup>۹</sup>
- ۴ - «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس بمیرد و امامش را نشناسد با مرگ جاهلی مرده است».

این متن را حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، متوفای ۱۲۹۴ ه. از بزرگان اهل سنت در کتاب ارزشمند «ینایع المودّة» روایت کرده و جمع کثیری از علمای بزرگ شیعه آن را در منابع حدیثی خود آورده‌اند که از آن جمله است:

---

- ۱ - تفسیر عیاشی: ج ۲ ص ۳۰۳
- ۲ - تفسیر کنزالدقائق: ج ۷ ص ۴۶۰
- ۳ - مسند طیالسی: ص ۲۵۹ ح ۱۹۱۳
- ۴ - مسند احمد: ج ۴ ص ۹۶
- ۵ - معجم کبیر: ج ۱۹ ص ۳۸۸
- ۶ - شرح نهج البلاغه: ج ۹ ص ۱۵۵
- ۷ - مجمع الزوائد: ج ۵ ص ۲۱۸
- ۸ - کنز العمال: ج ۱ ص ۱۰۳ ح ۴۶۴، ج ۶ ص ۶۵ ح ۱۴۸۶
- ۹ - مجمع الفوائد: ج ۲ ص ۲۹۵ (شناخت امام: ۴۲)



- ۱ - ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی، متوفای ۲۷۴ هـ.<sup>۱</sup>
- ۲ - علی بن حسین بن موسی بن بابویه - پدر شیخ صدوق - متوفای ۳۲۹ هـ.<sup>۲</sup>
- ۳ - محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ هـ.<sup>۳</sup>
- ۴ - محمد بن ابراهیم نعمانی، از بزرگان شیعه در قرن چهارم هجری.<sup>۴</sup>
- ۵ - محمد بن علی بن بابویه، مشهور به «شیخ صدوق» متوفای ۳۸۱ هـ.<sup>۵</sup>
- ۶ - ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ.<sup>۶</sup>
- ۷ - سیدهاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ هـ.<sup>۷</sup>
- ۸ - مولی محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ.<sup>۸</sup>
- ۵ - «مَنْ مَاتَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ فَمِيتُهُ جَاهِلِيَّةٌ»:

«هرکس بمیرد و امامی بر او نباشد، مرگش بر عهد جاهلیت است».

- این متن را از بزرگان اهل سنت «طبرانی» متوفای ۳۶۰ هـ. در معجم کبیر<sup>۹</sup> و از بزرگان شیعه فضل بن شاذان نیشابوری، متوفای ۲۶۰ هـ. از اصحاب امام رضا(ع) در کتاب گرانسنگ «الایضاح» روایت کرده‌اند.<sup>۱۰</sup>
- ۶ - «مَنْ مَاتَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ فَمِيتُهُ جَاهِلِيَّةٌ»:

---

۱ - محاسن برقی: ج ۱ ص ۲۵۲ ح ۴۷۵.  
۲ - الامامة و التبصرة: ج ۱ ص ۳۷۷  
۳ - اصول کافی: ج ۱ ص ۳۷۷  
۴ - غیبت نعمانی: ص ۱۳۰  
۵ - ثواب الاعمال: ص ۲۰۵  
۶ - اختیار رجال کشی: ص ۴۲۵ ح ۷۹۹  
۷ - تفسیر البرهان: ج ۱ ص ۳۸۶  
۸ - معجم کبیر طبرانی: ج ۱۰ ص ۲۸۹ ح ۱۰۶۷۸  
۹ - معجم کبیر طبرانی: ج ۱۰ ص ۲۸۹ ح ۱۰۶۷۸  
۱۰ - الایضاح، ص ۷۵

«هر کس بمیرد و امامی بر او نباشد، مرگش همانند مرگ دوران جاهلیت است.»

این متن را پیشوای محدثان شیعه، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ هـ در کافی شریف روایت نموده،<sup>۱</sup> و گروهی از علمای اهل تسنن در کتاب‌های حدیثی خود آورده‌اند که از آن جمله است:

۱ - احمد بن عمر بزّار، متوفای ۳۲۰ هـ . در زوائد.<sup>۲</sup>

۲ - نورالدین علی بن ابی‌بکر هيثمی، متوفای ۸۰۷ هـ . در مجمع و کشف‌الاستار.<sup>۳</sup>

۷ - «مَنْ مَاتَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس در حالی بمیرد که امامی بر او نباشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.»

این متن را از بزرگان اهل سنت، علاءالدین علی بن بلبان فارسی حنفی، متوفای ۷۳۹ هـ . روایت کرده<sup>۴</sup> و از محدثان بزرگ شیعه جمع کثیری روایت نموده‌اند که از آن جمله است:

۱ - ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ هـ .<sup>۵</sup>

۲ - علی بن حسین بن بابویه - پدر شیخ صدوق - متوفای ۳۲۹ هـ .<sup>۶</sup>

۳ - محمد بن علی ابن بابویه، مشهور به شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ هـ .<sup>۷</sup>

۴ - علامه‌ی بزرگوار مولی محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ .<sup>۸</sup>

۱ - اصول کافی: ج ۱ ص ۳۷۶

۲ - زوائد بزّار: ج ۱ ص ۱۴۴، ج ۲ ص ۱۴۳. (شناخت امام: ص ۳۳)

۳ - مجمع الزوائد: ج ۵ ص ۲۴۴ و ۲۵۵ و کشف الاستار عن زوائد البزار: ج ۲ ص ۲۵۲ ح ۱۶۳۵

۴ - الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان: ج ۷ ص ۴۹ (شناخت امام: ۳۸)

۵ - اصول کافی: ج ۱ ص ۳۷۸ ح ۲.

۶ - الامامة و التبصرة ص ۲۲۰

۷ - کمال‌الدین: ج ۲ ص ۴۱۲، ۴۱۳ و ۶۶۸

۸ - بحار الانوار: ج ۲۳ ص ۷۸ و ۸۱

بخش دوم:

متوفی که فقط در منابع اهل سنت آمده و عین آن تعبیر در منابع شیعه نیامده، و یا در این فرصت کوتاه، به آن دست نیافته‌ایم:

۱ - «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس امام زمانش را نشناسد با مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را مطابق نقل مؤلفین «احقاق الحق»، مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ هـ. در صحیح خود آورده است.<sup>۱</sup>

۲ - «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ فَقَدْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس بدون امام از دنیا برود، به راستی به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را حافظ احمد بن عبدالله اصفهانی، مشهور به «ابو نعیم» متوفای ۴۳۰ هـ. در حلیه روایت کرده است.<sup>۲</sup>

۳ - «مَنْ مَاتَ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس در حالی بمیرد که امامی بر او نیست، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

۱ - ابوجعفر محمد بن عبدالله اسکافی معتزلی، متوفای ۲۴۰ هـ. در کتاب ارزشمند «المعیار و الموازنة»<sup>۳</sup> و «نقض کتاب العثمانیة»<sup>۴</sup>.

۲ - عبدالحمید، ابن ابی الحدید معتزلی، متوفای ۶۵۶ هـ.<sup>۱</sup>

۱ - صحیح مسلم: ج ۸ ص ۱۰۷ (احقاق الحق: ۱۳/۸۵)

۲ - حلیة الاولیاء: ج ۳ ص ۲۲۴

۳ - المعیار و الموازنة ص ۲۴

۴ - نقض کتاب العثمانیة ص ۲۹ (الغدیر: ۱۰/۳۶۰)

۴ - «مَنْ مَاتَ وَلَا بَيْعَةَ عَلَيْهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس بمیرد و بیعتی بر عهده‌ی او نباشد به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را گروهی از بزرگان اهل سنت روایت کرده‌اند که از آن جمله است:

۱ - محمد بن سعد، کاتب واقدی، متوفای ۲۳۰ هـ . در کتاب طبقات.<sup>۱</sup>

۲ - علاءالدین علی بن حسام‌الدین، مشهور به «متقی هندی» متوفای ۹۷۵ هـ.<sup>۲</sup>

۵ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس بمیرد و در گردنش بیعتی نباشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته

است».

این متن را مسلم، متوفای ۲۶۱ هـ . در صحیح خود آورده است.<sup>۴</sup>

۶ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ طَاعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس بمیرد و اطاعتی (اطاعت امامی) بر او نباشد به مرگ جاهلی از دنیا

رفته است».

این متن را هیثمی در مجمع الزوائد نقل کرده است.<sup>۵</sup>

۷ - «مَنْ مَاتَ وَ لَا طَاعَةَ عَلَيْهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

این متن را با این تعبیر جمعی از علمای اهل سنت روایت کرده‌اند که از آن

جمله است:

۱ - عبدالله بن محمد بن ابی شیبه، متوفای ۲۳۵ هـ . در کتاب «المصنّف».<sup>۶</sup>

۱ - شرح نهج البلاغة: ج ۱۳ ص ۲۴۲

۲ - طبقات ابن سعد: ج ۵ ص ۱۴۴

۳ - کنز العمال: ج ۱ ص ۱۰۳ ح ۴۶۳

۴ - صحیح مسلم: ج ۳ ص ۱۴۷۸ ح ۱۸۵۱

۵ - مجمع الزوائد: ج ۵ ص ۲۲۳

۶ - المصنّف ابن ابی شیبه: ج ۸ ص ۶۰۵ ح ۹۲

۲ - شهاب‌الدین احمد بن علی، ابن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۲ ه. <sup>۱</sup>

۸ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ طَاعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس بمیرد و اطاعتی (اطاعت امامی) به گردش نباشد به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را گروهی از علمای اهل سنت در منابع حدیثی خود آورده‌اند که از آن جمله است:

۱ - احمد حنبل پیشوای حنبله، متوفای ۲۴۱ ه. در مسند خود. <sup>۲</sup>

۲ - محمد بن اسماعیل بخاری، متوفای ۲۵۶ ه. در تاریخ خود. <sup>۳</sup>

۳ - ابوالحسن علی بن جعد جوهری، متوفای ۲۳۰ ه. در مسند خود. <sup>۴</sup>

۴ - حمید بن رنجویه، متوفای ۲۵۱ ه. در کتاب «الاموال» <sup>۵</sup>

۵ - متقی هندی، متوفای ۹۷۵ ه. در کتاب «کنز» <sup>۶</sup>

۹ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ لِلِإِمَامِ الْمُسْلِمِينَ بَيْعَةٌ، فَمِيتَتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ»:

«هر کس بمیرد و در گردش برای امام مسلمانان بیعتی نباشد، مرده‌اش مرده‌ی جاهلی است».

این متن را محمود بن عمر زمخشری، متوفای ۵۳۸ ه. در «ربیع‌الابرار» روایت کرده است. <sup>۷</sup>

---

۱ - المطالب العالیة: ج ۲ ص ۲۲۸ ح ۲۰۸۸ (شناخت امام: ص ۴۰)

۲ - مسند احمد: ج ۳ ص ۴۴۶

۳ - التاریخ الکبیر: ج ۶ ص ۴۴۵ ح ۲۹۴۳

۴ - مسند ابی الحسن جوهری: ج ۲ ص ۸۵۰ ح ۲۳۷۵

۵ - الاموال: ج ۱ ص ۸۲ (شناخت امام: ص ۳۲)

۶ - کنز العمال: ج ۶ ص ۶۵ ح ۱۴۸۶۱

۷ - ربیع‌الابرار: ج ۴ ص ۲۲۱ (شناخت امام: ص ۳۶)

۱۰ - «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، فَلَيَمُتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا»:

«هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، اگر بخواهد یهودی از دنیا می‌رود و اگر بخواهد نصرانی از دنیا می‌رود».

این متن را مطابق نقل آیت‌الله حاج شیخ لطف‌الله صافی<sup>۱</sup> محمد بن عمر تیمی، مشهور به «فخر رازی» متوفای ۶۰۶ ه. در رساله‌ی «المسائل الخمسون» روایت کرده است.<sup>۲</sup>

\*\*\*

بخش سوم:

متونی که فقط در روایات علمای شیعه آمده، و یا در این فرصت کوتاه در منابع حدیثی اهل تسنن به آنها راه نیافته‌ایم:

۱ - «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، با مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را مرحوم علامه‌ی مجلسی در بحار آورده است.<sup>۳</sup>

۲ - «مَنْ مَاتَ وَهُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس در حالی بمیرد که امام زمانش را نمی‌شناسد به مرگ جاهلی مرده

است».

این متن را جمعی از بزرگان عالم تشیع روایت کرده‌اند که از آن جمله است:

۱ - محمد بن محمد بن نعمان، «شیخ مفید» متوفای ۴۱۳ ه.<sup>۴</sup>

۱ - پیرامون معرف امام: ص ۸

۲ - المسائل الخمسون: ص ۳۸۴، مسألة ۴۷

۳ - بحار الانوار: ج ۲۳ ص ۹۴ و ج ۳۷ ص ۲۷

۴ - سفینه البحار: ج ۶ ص ۲۱۹

- ۲ - ابوالفتح محمد بن علی کراچکی، متوفای ۴۴۹ هـ.<sup>۱</sup>
- ۳ - غوَّاص بحار معارف آل محمد، علامه مجلسی متوفای ۱۱۱۰ هـ.<sup>۲</sup>
- ۴ - خاتمه المحدثین، حاج شیخ عباس قمی، متوفای ۱۳۵۹ هـ.<sup>۳</sup>
- ۳ - «مَنْ مَاتَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:
- «هر کس بمیرد و امامی بر او نباشد به مرگ جاهلی مرده است».
- این متن را ابوجعفر احمد بن محمد برقی، متوفای ۲۷۴ هـ. روایت کرده است.<sup>۴</sup>
- ۴ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:
- «هر کس در حالی بمیرد که امامی بر او نباشد مرده‌اش مرده‌ی جاهلی است».
- این متن را پیشوای محدثان شیعه مرحوم کلینی در کافی شریف روایت نموده است.<sup>۵</sup>
- ۵ - «مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا تَعْرِفُ فِيهَا إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:
- «هر کس شبی را سحر کند که در آن امامش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است».
- این متن را ابو عبدالله محمد بن ابراهیم نعمانی، متوفای بعد از ۴۴۲ هـ. روایت کرده است.<sup>۶</sup>

۱ - کنز الفوائد: ص ۱۵۲

۲ - بحار الانوار: ج ۲۳ ص ۹۴ و ج ۳۷ ص ۲۷

۳ - سفينة البحار: ج ۶ ص ۲۱۹

۴ - محاسن برقی: ج ۱ ص ۲۵۲ ح ۴۷۲

۵ - اصول کافی: ج ۱ ص ۳۷۱ ح ۵ و ص ۳۷۶ ح ۲

۶ - غیبت نعمانی ص ۱۲۷

۶ - «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.»

این متن را گروهی از بزرگان شیعه روایت کرده‌اند که از آن جمله است:

۱ - محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ هـ . در کافی شریف.<sup>۱</sup>

۲ - محمد بن مسعود بن عیاش سلمی - قرن سوم - در تفسیرش.<sup>۲</sup>

۳ - ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ . در اختیار رجال کشی.<sup>۳</sup>

۴ - علامه‌ی بزرگوار مولی محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ . در بحار.<sup>۴</sup>

۷ - «مَنْ مَاتَ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس در حالی بمیرد که امامش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.»

این متن را ابوجعفر احمد بن محمد برقی، متوفای ۲۷۴ هـ . در محاسن آورده

است.<sup>۵</sup>

۸ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس در حالی بمیرد که امامی بر او نباشد به مرگ جاهلی مرده است.»

این متن را مرحون کلینی در کافی شریف روایت کرده است.<sup>۶</sup>

۹ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ فَمَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس بمیرد و امامی بر او نباشد، پس به مرگ جاهلی مرده است.»

۱ - اصول کافی: ج ۲ ص ۲۰ و ۲۱ . پ

۲ - تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۲۵۲

۳ - رجال کشی: ص ۴۷۳ ج ۸۹۹

۴ - بحارالانوار: ج ۶۸ ص ۳۳۷ و ۳۸۷

۵ - محاسن برقی: ج ۱ ص ۲۵۱ ج ۴۷۴ و بحارالانوار: ج ۲۳ ص ۷۶

۶ - اصول کافی: ج ۱ ص ۳۹۷



این متن را محمد بن جریر طبری، از بزرگان جهان تشیع در قرن چهارم، معاصر و همنام طبری معروف، در کتاب بسیار ارزشمند «المسترشد» روایت کرده است.<sup>۱</sup>

۱۰ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ يَسْمَعُ لَهُ وَ يُطِيعُ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس در حالی بمیرد که امامی بر او نباشد که به فرمانش گوش دهد و از اوامرش اطاعت کند، به مرگ جاهلی مرده است.»

این متن را شیخ مفید قدس سره در کتاب «الاختصاص» آورده است.<sup>۲</sup>

۱۱ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ حَيٌّ ظَاهِرٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس بمیرد و امام زنده و روشنی نداشته باشد، به مرگ جاهلی مرده است.»

این متن را نیز شیخ مفید قدس سره روایت کرده است.<sup>۳</sup>

۱۲ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ مِنْ وَ لَدَى مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

این متن را ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، مشهور به «شیخ صدوق» در کتاب «عیون» از امام هشتم، از پدران بزرگوارش، از رسول اکرم (ص) روایت کرده است<sup>۴</sup> که ترجمه‌اش این است:

«هرکس بمیرد و امامی از فرزندانم برایش نباشد با مرگ جاهلی از دنیا رفته است.»

۱۳ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةُ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس بمیرد و بیعت امامی در گردنش نباشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.»

۱ - المسترشد فی امامة امیر المؤمنین: ص ۱۷۷

۲ - اختصاص شیخ مفید: ص ۲۶۹

۳ - همان مدرک.

۴ - عیون الأخبار: ج ۲ ص ۵۸ ح ۲۱۴

این متن را سیدمرتضی علم‌الهدی، متوفای ۴۳۶ هـ. در کتاب «الفصول المختاره» روایت کرده است.<sup>۱</sup>

\*\*\*

اینها جمعاً ۳۰ متن بود که از نظر خوانندگان گرامی گذشت که ۱۰ متن از آنها اختصاص به اهل سنت داشت و ۱۳ متن از آنها به احادیث شیعه اختصاص داشت و ۷ متن از آنها عیناً در منابع مورد اعتماد و استناد شیعه و سنی آمده است. هدف ما از ارائه این متون اثبات تواتر معنوی حدیث شریف: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» بود، که با اندک تأملی در متون یاد شده هر شخص با انصافی به این نتیجه می‌رسد.

برخی از بزرگان شیعه و برخی از علمای اهل تسنن بر تواتر آن تصریح کرده‌اند که عین تعبیرشان را در اینجا می‌آوریم، سپس نکاتی را یادآور می‌شویم:

۱ - شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ هـ. در کتاب پرارزش «الافصاح» می‌فرماید: این حدیث به صورت «متواتر» از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: «من مات و هو لا يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»<sup>۲</sup>

وی همچنین رساله‌ی مستقلی در این رابطه تألیف کرده و در آغاز آن می‌فرماید:

حدیث: «من مات و هو لا يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» روایت صحیحه است، و اجماع اهل آثار بر آن گواهی می‌دهد<sup>۱</sup> و صریح آیه‌ی قرآن: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ» معنای آن را تقویت می‌کند.

۱ - الفصول المختاره ص ۲۴۵

۲ - الافصاح ص ۲۸

- ۲ - شیخ بهائی، متوفای ۱۰۳۰ ه . در این رابطه می‌فرماید:  
در میان شیعه و سنی مورد اتفاق است که رسول اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»<sup>۱</sup>
- ۳ - علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ ه . در این زمینه می‌فرماید:  
شیعه و سنی به صورت «متواتر» روایت کرده‌اند که «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»<sup>۲</sup>
- ۴ - سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ه . می‌فرماید:  
این حدیث در میان شیعه و سنی متفق علیه است که: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»<sup>۳</sup>
- ۵ - قاضی بهلول بهجت افندی زنگنه زوری، متوفای ۱۳۵۰ ه . می‌نویسد: حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» متفق علیه علمای عامه و خاصه می‌باشد.<sup>۴</sup>
- ۶ - ابن ابی الحدید معتزلی در شرح این فراز از کلام امیرمؤمنان(ع) که می‌فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ»:

---

۱ - مصنفات الشیخ المفید: ج ۷ رساله‌ی هفتم «الرسالة الاولى فی الغیبة» ص ۱۲

۲ - اربعین شیخ بهائی: ص ۲۰۶

۳ - بحار الانوار: ج ۸ ص ۳۶۸

۴ - ینابیع المودة: ج ۳ ص ۴۵۶

۵ - تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد: ص ۱۶۶

«وارد بهشت نمی‌شود جز کسی که امامان را بشناسد و امامان نیز او را بشناسند.»<sup>۱</sup> پس از استناد به آیه‌ی شریفه‌ی: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»<sup>۲</sup> و حدیث: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» می‌گوید:

«اصحاب ما همگی بر درستی این مطالب معتقد هستند که هر کس امامان را نشناسد وارد بهشت نمی‌شود»<sup>۳</sup>

۷ - سیوطی و آلوسی در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»<sup>۴</sup> از رسول اکرم (ص) روایت کرده‌اند که فرمود: «يُدْعَى كُلُّ قَوْمٍ بِاِمَامٍ زَمَانِهِمْ». «روز قیامت هر گروهی با امام زمانشان فراخوانده می‌شوند».<sup>۵</sup>

۸ - عین همین تعبیر در منابع شیعه نیز از رسول اکرم (ص) آمده است.<sup>۶</sup>

۹ - مرحوم طبرسی آن را به تعبیر: «يُدْعَى كُلُّ اُنَاسٍ بِاِمَامٍ زَمَانِهِمْ» روایت کرده است.<sup>۷</sup>

۱۰ - در منابع حدیثی آمده است که حضرت امام حسین (ع) در پیرامون «شناخت خدا» سخن می‌گفت، یکی از اصحاب پرسید: «پدر و مادرم به فدایت، معنای شناخت خدا چیست؟»

سالار شهیدان در پاسخ فرمود:

«مَعْرِفَةُ اَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ اِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»:

۱ - نهج البلاغه: خطبه‌ی ۱۵۲. [صبحی صالحی: ص ۲۱۲]

۲ - سوره‌ی اسراء: آیه ۷۱

۳ - شرح نهج البلاغه: ج ۹ ص ۱۵۵

۴ - سوره‌ی اسراء: آیه ۷۱

۵ - الدر المنثور: ج ۴ ص ۱۹۴ و روح المعانی: ج ۱۵ ص ۱۱۲

۶ - عیون الأخبار: ج ۲ ص ۳۲ ح ۶۱ و تفسیر کنز الدقائق: ج ۷ ص ۴۵۵

۷ - تفسیر مجمع البیان: ج ۶ ص ۶۶۳

«شناخت خدا عبارت است از شناخت اهل هر زمانی امامی را که اطاعتش بر آنها واجب است»<sup>۱</sup>

۱۱ - امام سجاده (ع) در تفسیر آیهی شریفهی «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»<sup>۲</sup> فرمود:

«فطرت عبارت است از: لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی ولی الله».

سپس فرمود:

«إِلَىٰ هِيْهُنَا التَّوْحِيدُ»:

«توحید تا اینجا است».<sup>۳</sup>

از این دو حدیث به روشنی معلوم می‌شود که شناخت امام از شناخت خداوند متعال جدا نیست، بلکه یکی از ابعاد آن است، چنان که دعای معرفت که از ناحیهی مقدسه صادر شده، اشاره‌ی لطیفی به آن دارد، آنجا که می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ،  
اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَبِيَّكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ: اللَّهُمَّ  
عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ: اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي  
حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي».

این دعا توسط نخستین نائب خاص حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه، از ناحیهی مقدسه صادر شده، و امر شده که در دوران غیبت آن کعبه‌ی مقصود شیعیان منتظر و چشم به راه برخواندن آن مداومت کنند.<sup>۴</sup>

۱ - علل الشرائع: ص ۹، کنز الفوائد ص ۱۵۱ و بحار الأنوار: ج ۵ ص ۳۱۲، ج ۲۳ ص ۸۳ و ۹۳

۲ - سوره روم، آیه ۳۰

۳ - تفسیر قمی: ج ۲ ص ۱۵۵ بحار الأنوار: ج ۳ ص ۲۷۷

۴ - مصباح المتهجد: ص ۲۶۹، کمال الدین: ص ۵۱۲، جمال الاسبوع: ص ۵۲۲، البلد الامین: ص ۳۰۶ و بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۸۷ و ج ۹۵ ص ۳۲۷.

\*\*\*

در پایان یادآور می‌شویم که یکی از نویسندگان متعهد معاصر، محقق گرانقدر آقای حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی کتاب ارزشمندی را پیرامون حدیث: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» تألیف کرده، و آن را «شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی» نامیده است، ما ضمن سپاس و تقدیر از مؤلف ارزشمند، مطالعه‌ی آن را به همه‌ی منتظران ظهور توصیه می‌کنیم.

از دیگر کتاب‌هایی که در این رابطه تألیف شده، عناوین زیر به اهل تحقیق توصیه می‌گردد:

- ۱ - تکملة الایمان بمعرفة صاحب الزمان، از حاج شیخ محمدباقر فقیه ایمانی (قدس سره)
  - ۲ - معرفت امام عصر، از سید محمد بنی‌هاشمی.
  - ۳ و ۴ - معرفت حجت خدا و پیرامون معرفت امام، از آیت‌الله حاج شیخ لطف‌الله صافی.
  - ۵ - معرفة الحجّة، از محمود کنگاش، معروف به مجلسی.
- مشخصات چاپ و نگارش عناوین فوق در «کتابنامه‌ی حضرت مهدی (ع) آمده است.<sup>۱</sup>

### او خواهد آمد

در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان اعم از وثنیّت، کلیمیّت، مسیحیت، مجوسیّت، اسلام و... از مصلحی که در آخر زمان ظهور خواهد کرد و به جنایت‌ها و خیانت‌های انسان‌ها خاتمه خواهد داد و شالوده‌ی حکومت واحد جهانی را،

۱ - کتابنامه‌ی حضرت مهدی (ع): ج ۱ ص ۲۴۸، ج ۲ ص ۴۷۵ و ۶۶۳

براساس عدالت و آزادی استوار خواهد کرد، گفتگو شده است. و نوید آن مصلح بزرگ جهان، علاوه بر قرآن مجید، در تمام کتاب‌های آسمانی چون انجیل، تورات و زبور آمده است.

اگرچه غیر از قرآن مجید، همه‌ی کتاب‌های آسمانی دستخوش تحریف شده‌اند، لکن باز جملاتی از دستبرد دیگران مصون مانده است که در آنها از آمدن مهدی موعود و مصلح جهان و بنیانگذار حکومت واحد جهانی گفتگو شده است، و چون این مطلب به صورت پیشگویی و مربوط به آینده است، و مضامین آنها در قرآن مجید و اخبار متواتر و قطعی اسلامی وارد شده است، از این رهگذر مسلم می‌شود که این عبارات‌ها از منطبق وحی سرچشمه گرفته و از دستبرد انسان‌ها در طول تاریخ مصون و محفوظ مانده است.

اینک ما متن قسمتی از نویدهای مهدی موعود را از کتب مقدسه‌ی یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و سایر کتاب‌هایی که در میان پیروان خود به عنوان کتاب آسمانی شناخته شده، نقل می‌کنیم تا اصالت مهدویت و جهانی بودن اعتقاد به ظهور مهدی(ع) روشن گردد.

\*\*\*

### مهدی موعود در زبور داود

در زبور داود(ع) که تحت عنوان «مزامیر» در لابلای «عهد عتیق» آمده نویدهایی درباره‌ی ظهور حضرت مهدی(ع) داده شده است. و می‌توان گفت: در هر بخشی از زبور اشاره‌ای به ظهور آن حضرت و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف بر یک این محکم و آیین مستقیم، موجود است.

جالب این که مطالبی که قرآن کریم پیرامون ظهور حضرت مهدی از زبور نقل کرده، در زبور فعلی عیناً موجود است و از تحریف مصون مانده است.

قرآن کریم چنین می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»:

«علاوه بر ذکر (تورات) در «زبور» نیز نوشتیم، بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد»<sup>۱</sup>

طبق روایت متواتر اسلامی، از طریق شیعه و سنی، این آیه مربوط به ظهور حضرت مهدی (ع) می‌باشد. قرآن کریم این مطلب را از زبور نقل می‌کند و عین همین عبارت در زبور موجود است، اینک متن زبور:

۱ - «زیرا که شیران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود. و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد... زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد. و اما صالحان را خداوند تأیید می‌کند. خداوند روزهای کاملان را می‌داند. و میراث آنها خواهد بود تا ابدالاباد»<sup>۲</sup>

۲ - و در فصل دیگری می‌فرماید:

«... قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هرچه در آن است به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد. قوم‌ها را به امانت خود»<sup>۳</sup>

۱ - سوره‌ی انبیاء: آیه‌ی ۱۰۵

۲ - کتاب مزامیر: مزمور ۳۷ بندهای ۹ - ۱۲ و ۱۷ - ۱۸

۳ - کتاب مزامیر: مزمور ۹۶ بندهای ۱۰ - ۱۳



نویدهای حضرت مهدی(ع) در زبور بسیار فراوان است و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه، نوید ظهور آن حضرت موجود است، طالبین می‌توانند به متن «مزامیر» در «عهد عتیق» مراجعه کنند.

\*\*\*

## مهدی موعود در عهد عتیق (تورات و ملحقات آن)

در «سفر پیدایش» چنین می‌خوانیم:

۱ - «خداوند بر ابراهیم ظاهر گشته گفت: به ذریت تو این زمین را می‌بخشم، تمام این زمین را که می‌بینی به تو و ذریه‌ی تو تا به ابد خواهم بخشید... به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار، هرگاه توانی آنها را شمرد... ذریت تو نیز چنین خواهد بود... من هستم یهوه که تو را از کلدانیان بیرون آوردم تا این زمین به ارثیت تو بخشم»<sup>۱</sup>.

۲ - «و نام تو بعد از این «أبرام» خوانده نشود بلکه نام تو «ابراهیم» خواهد بود زیرا که تو را پدر امت‌های بسیار گردانیدم تو را بسیار بارور نمایم، و امت‌ها از تو پدید آورم پادشاهان از تو به وجود آیند. و عهد خویش را در میان خود تو، و ذریت بعد از تو استوار گردانم. که نسل بعد نسل عهد جاودانی باشد...»

اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم، اینک او را برکت داده بارور گردانم، و او را بسیار کثیر گردانم، دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم... از ابراهیم امتی بزرگ و زورآور پدید خواهد آمد و جمیع امت‌های جهان از او برکت خواهند یافت»<sup>۲</sup>.

و در کتاب: «اشعیا نبی» می‌خوانیم:

۱ - سفر پیدایش: فصل ۱۲ بند ۷، فصل ۱۳ بند ۱۵ و فصل ۱۵ بندهای ۵ - ۸

۲ - سفر پیدایش: فصل ۱۷ بندهای ۵ - ۸ - ۲۰ و فصل ۱۸ بند ۱۹.

۳ - «و نهالی از تنه‌ی یسی<sup>۱</sup> بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت... مسکینان را به عدالت، داوری خواهد کرد، و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد.

... گریه با بره سکونت خواهد کرد، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری باهم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند... و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فسادى نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.»<sup>۲</sup>

۴ - «بلکه نسلی از یعقوب و وارثی برای کوه‌های خویش از یهود به ظهور خواهم رسانید. و برگزیدگانم ورثه‌ی آن و بندگانم ساکن آن خواهند شد. و اما شما (خطاب به یهود) که خداوند را ترک کرده و کوه مقدس را فراموش نموده‌اید، و مائده به جهت بخت مهیا ساخته و شراب ممزوج به جهت اتفاق ریخته‌اید، پس شما را به جهت شمشیر مقدر ساختم. و جمیع شما برای قتل خم خواهید شد... و اورشلیم را محل و جد خواهم نمود و از قوم خود شادی خواهم کرد و آواز گریه و آواز ناله بار دیگر در او شنیده نخواهد شد.»<sup>۳</sup>

و در کتاب: «دانیال نبی» می‌خوانیم:

۵ - «و در آن زمان میکائیل امیر عظیمی که برای پسران قوم تو (خطاب به حضرت دانیال) ایستاده است خواهد برخاست.

... و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد... و آنان که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا

۱ - یسی به معنی قوی، نام پدر داود است. (قاموس کتاب مقدس ص ۹۵۱)

۲ - کتاب اشعیا نبی: فصل ۱۱ بندهای ۱ - ۱۰

۳ - کتاب اشعیا نبی: فصل ۶۵ بندهای ۹ - ۱۳ و ۱۸ - ۲۰

ابدالاباد. اما تو ای دانیال کلام را مخفی دار و کتاب را تا آن زمان مهر کن بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود... خوشا به حال آنان که انتظار کشند»<sup>۱</sup> و در کتاب: «حقوق نبی» می‌خوانیم:

۶ - «اگرچه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد... بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قوم‌ها را برای خویشتن فراهم می‌آورد»<sup>۲</sup>

نظر به این که متن نویدها گویا بود توضیحی ندادیم و برای اختصار به نمونه‌های یاد شده اکتفا کردیم، برای توضیح بیشتر می‌توانید در «عهد عتیق» به کتاب‌های اشعیا نبی (فصل ۱ و ۴۵۵) زکریا نبی (فصل ۱۴) صفیاء نبی (فصل ۳) سلیمان نبی (فصل ۲) حجی نبی (فصل ۲) اول سموئیل (فصل ۲) دوم سموئیل (فصل ۱۲ و ۲۳) و حزقیال نبی (فصل ۲۱) مراجعه فرمائید.

\*\*\*

### مهدی موعود در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن)

در انجیل برنابا نویدهای حضرت مهدی (ع) به صراحت آمده است، ولی نظر به این که مسیحیان آن را معتبر نمی‌دانند در اینجا فقط نویدهای موجود در اناجیل معتبر را می‌آوریم:

۱ - «هم‌چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد. و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را بینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می‌آید... آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما سخن من

۱ - کتاب دانیال نبی: فصل ۱۲ بندهای ۱ - ۵ و ۱۰ - ۱۳

۲ - کتاب حقوق نبی: فصل ۲ بندهای ۳ - ۵

هرگز زایل خواهد شد، اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس... لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید».<sup>۱</sup>

۲ - «اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خود آید، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کنند، به قسمتی که شبان میش‌ها را از بزها جدا می‌کند»<sup>۲</sup>

۳ - «آنگاه پسر انسان را ببینید که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می‌آید، در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد.

... ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید، زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود».<sup>۳</sup>

۴ - «کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید»<sup>۴</sup>

۵ - «انجیل یوحنا (فصل‌های ۱۲ - ۱۷) نویدهای جالب و جامعی درباره‌ی رسول اکرم (ص) و حضرت مهدی (ع) دارد. هم‌چنین به مکاشفه‌ی یوحنا (فصل ۱۹) و رساله دوم پطرس (فصل سوم) مراجعه شود.

۱ - انجیل متی: فصل ۲۴ بندهای ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۳۷ و ۴۵

۲ - انجیل متی: فصل ۲۵ بندهای ۳۱ - ۳۲

۳ - انجیل مرقس: فصل ۱۳ بندهای ۲۶، ۲۷، ۳۱ و ۳۲

۴ - انجیل لوقا: فصل ۱۲ بندهای ۳۵ - ۳۶ و به همین مضمون انجیل لوقا: فصل ۲۱ بندهای ۲۷، ۳۳ - ۳۶

توضیح این که کلمه‌ی «پسر انسان» مطابق نوشته‌ی «مستر هاکس آمریکایی» در کتاب خود «قاموس کتاب مقدس» ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) تکرار شده که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی (ع) قابل تطبیق می‌باشد.<sup>۱</sup> و ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده‌ای سخن می‌گویند که در آخر زمان ظهور خواهد کرد، عیسی نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و از ساعت و روز ظهور او جز خدا کسی اطلاع ندارد. و او کسی جز حضرت مهدی (ع) نمی‌باشد.

### مهدی موعود در کتب مقدسه‌ی هندیان

در کتاب‌های مقدسه‌ای که در میان هندیان به عنوان کتاب‌های آسمانی شناخته شده و آورندگان آنها به عنوان پیامبر شناخته می‌شوند، تصریحات زیادی به مهدی موعود شده است که قسمتی از آنها در زیر از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد. پیش از ورود به اصل موضوع، یادآوری این نکته را لازم می‌دانیم که: ما این کتاب‌ها را به عنوان «کتاب آسمانی» نمی‌دانیم، و آورندگان آنها را به عنوان «پیامبر» نمی‌شناسیم، بلکه معتقدیم که این مطالب را از کتاب‌های پیامبران گذشته، اقتباس کرده‌اند زیرا این مطالب راجع به آینده است، و پیشگویی آنها منحصرأ از منابع وحی<sup>۲</sup> می‌تواند سرچشمه بگیرد. از این رهگذر به نقل برخی از پیشگوئی‌های آنان می‌پردازیم تا جهانی بودن این ایده و عقیده روشن‌تر گردد.

۱ - قاموس مقدس: ماده‌ی «پسر خواهر» ص ۲۱۹

۲ - لکلّ امة رسول (سوره یونس آیه ۴۷) برای هر امتی رسول و هدایت‌کننده‌ای است.

و ان من امة خلافيها نذير (سوره فاطر آیه ۲۴) و هر امتی در گذشته او نذارکننده‌ای داشته است.

و لقد بعثنا في كل امة رسولا (سوره نحل آیه ۳۶) ما در هر امتی رسولی فرستادیم.

و لكل قوم هاد (سوره رعد آیه ۷) و برای هر قوم هدایت‌کننده‌ای فرستادیم.

اینها شواهدی چند از قرآن بودند برایتان عرضه شد که به احتمال قوی در زمان‌های دور سفیران و پیامبرانی داشتند و از طریق وحی پیشگویی‌هایی را خبر داده است که با واقعیت مطابقت دارد.

- ۱ - در کتب «باسک» از کتب مقدسه‌ی هندیان چنین آمده:
- «دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل‌ی در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریاها و زمین‌ها و کوه‌ها، پنهان باشد همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین آنچه باشد خبر می‌دهد، و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید».
- ۲ - در کتاب «شاکمونی» از کتب مقدسه‌ی هندیان می‌گوید:
- «پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سیدخلایق در دو جهان «کشن»<sup>۱</sup> تمام شود و کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند، و جن و انس در خدمت او شوند، و از «سودان» که زیر خط استوا است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمال است، و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا زنده گردد و نام او «ایستاده» باشد و خداشناس باشد».
- ۳ - در کتاب «ریک ودا» از کتب مقدسه‌ی هند چنین آمده:
- «ویشنو» در میان مردم ظاهر می‌گردد... او از همه کس قوی‌تر و نیرومندتر است... در یک دست «ویشنو» (نجات دهنده) شمشیری به مانند ستاره‌ی دنباله‌دار و دست دیگر انگشتری درخشنده دارد، هنگام ظهور وی خورشید و ماه تاریک می‌شوند و زمین خواهد لرزید»<sup>۲</sup>
- ۴ - در کتاب «دید» از کتب مقدسه‌ی هندیان چنین آمده:
- «پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلیق باشد و نام او «منصور» باشد. تمام عالم را بگیرد، و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هرچه از خدا بخواهد بیاورد»<sup>۳</sup>
- ۵ - در کتاب «وشن جوک» چنین می‌خوانیم:

۱ - «کشن» در لغت هندی اسم پیامبر اکرم (ص) می‌باشد.

۲ - ریک و دا، ماندالای: ۴، ۱۶ و ۲۴

۳ - «منصور» از القاب حضرت مهدی است.

«سرانجام دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او «فرخنده» و «خجسته» باشد»<sup>۱</sup>

۶- در کتاب «دادتک» از کتب مقدسه‌ی برهمنیان هند چنین آمده است:

«بعد از آن که مسلمانی به هم رسد، در آخرالزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی‌دیانتی امینان و حسد حاسدان برطرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند... دست حق برآید و جانشین آخر «ممتاطا»<sup>۲</sup> ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا... و خلائق را هدایت کند».

۷- در کتاب «پاتیکل» از کتب مقدسه‌ی هندیان چنین آمده است:

«چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود، از فرزندان دو پیشوای جهان، یکی ناموس آخرالزمان و دیگر وصی بزرگ‌تر وی که «پشن»<sup>۳</sup> نام دارد، و نام آن ملک تازه «راهنما»<sup>۴</sup> است، به حق پادشاه شود و خلیفه «رام»<sup>۵</sup> باشد و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد».

آنچه در بالا از نظر خوانندگان گرامی گذشت قسمتی از نویدهای کتب مقدسه هندیان درباره‌ی موعود جهانی بود، همه‌ی آنها با اختلاف عباراتی که داشتند، صریح‌تر از نویدهای دیگر کتب مقدسه بودند.

۸- به سال ۱۳۵۹ ش. توفیقی دست داد به هند سفر کردیم<sup>۶</sup>، در «کشمیر» در مورد زبان سانسکریت جويا شدم، معلوم شد که در دانشگاه «سری نگر» دو تن

۱- «فرخنده و خجسته» در عربی به «محمد و محمود» ترجمه می‌شود.

۲- «ممتاطا» در زبان هندی به معنای «محمد» است.

۳- «پشن» نام هندی علی بن ابیطالب (ع) است.

۴- «راهنما» به عربی «هادی و مهدی» می‌باشد که هر دو از القاب حضرت امام زمان (ع) است.

۵- «رام» به لغت سانسکریتی نام خدا است.

۶- نویسنده محترم حضرت استاد فرزانه آقای حاج میرزا علی اکبر مهدی پور منظور از مسافر هند بودند.

استاد هستند، که بر زبان سانسکریت تسلط دارند. ترتیبی داده شد که چند ساعتی به خدمتشان رسیدم، از آنها در مورد آینده‌ی جهان پرسیدم، گفتند: آنچه در کتاب‌های مذهبی ما موجود است این است که: «یک مرد آسمانی در آخرالزمان ظهور می‌کند، ظلم و ستم را از پهنه‌ی جهان ریشه‌کن می‌سازد، حکومتی را براساس عدالت و آزادی در سطح جهان تاسیس می‌کند، دیگر در جهان از جهل و شرّ و تبهکاری اثری نمی‌ماند و همه‌ی انسان‌ها در برابر او خضوع می‌کنند و همه‌ی جهان زیر یک پرچم و تحت فرمان یک فرمانروا اداره می‌شود...».

همه‌ی اظهارات آنها دقیقاً با اعتقاد ما پیرامون مصلح جهانی منطبق بود، از آنها خواستم که کتاب بالخصوصی را که حاوی این مطالب باشد برای من معرفی کنند، کتاب «گرگوار نهم» را معرفی کردند و متن سانسکریت آن را به من ارائه دادند و فرازهایی را از روی کتاب برایم خواندند و ترجمه کردند.

۹ - در کتاب «اوپانیشاد» در تشریح واژه‌ی: «کللی» دهمین مظهر «ویشنو»<sup>۱</sup> آمده است:

«این مظهرِ ویشنو در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه‌ی درخشانی به صورت ستاره‌ی دنباله‌دار، در دست دارد ظاهر می‌شود و شیران را تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو، تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد»<sup>۲</sup>

۱۰ - در کتاب «شابوهرگان» کتاب مقدس مانویه، ترجمه‌ی «مولر» نام «خرد شهر ایزد» آمده که باید در آخرالزمان ظهور کند و عدالت را در جهان بگسترده

۱ - «ویشنو» دومین خدا از خدایان سه گانه‌ی هندو می‌باشد که او را حافظ و حامی جهان، مقتدر و شکست‌ناپذیر، صاحب ۱۰۰۰ نام و ۱۰ مظهر می‌دانند، نشاط و سرور و بقای جهان هستی را به او نسبت می‌دهند.

۲ - اوپانیشاد: ص ۷۳۷



همچنین در تعالیم مانی از مرد عظیمی بحث شده که ۱۲ جانشین دارد و به وسیله‌ی آنها ارواحی که شایستگی دارند به بهشت می‌روند.

\*\*\*

### مهدی موعود در منابع زرتشتیان

۱ - در کتاب «زند» که از کتب مقدسه زرتشتیان است، پس از آن که مقداری پیرامون شیوع فساد در آخرالزمان گفتگو کرده و گوشزد می‌کند که غالباً قوت و شکوه با اهریمنان خواهد بود می‌گوید:

«آنگاه از طرف اهورا مزدا به ایزدان یاری می‌رسد، پیروزی بزرگ از آن ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند. بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی‌آدم بر تخت نیکبختی خواهد نشست...».

۲ - «جاماسب» در کتاب معروف خود «جاماسب نامه» از «زرتشت» نقل می‌کند که:

«از فرزندان دختر پیغمبر که «خورشید جهان» و شاه زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد.».

۳ - باز در جاماسب نامه می‌خوانیم:

«مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق، و بر دین جد خویش باشد، با سپاه بسیار، روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر داد کند.»

۴ - جاماسب در تعالیم خود می‌گوید:

«پیامبر عرب آخرین فرستاده است که از میان کوه‌های مکه ظاهر شود... از فرزندان پیامبر شخصی در مکه پدیدار خواهد شد که جانشین آن پیامبر است و پیرو دین جد خود می‌باشد... از عدل او گرگ با میش آب می‌خورد و همه‌ی جهان به آئین «مهرآزمای» (محمد) خواهند گروید.».

۵ - قسمتی از پیشگویی‌های دیگر زرتشت، درباره‌ی ظهور و علائم ظهور در «بهمن یشت» به تفصیل آمده است.<sup>۱</sup>

۶ - در بخش «کاتها» که یکی از بخش‌های چهار گانه‌ی «اوستا» است در صفحات ۲۵ و ۹۸ نویدهایی در مورد موعود جهانی، مصلح پایه‌گذار حکومت واحد جهانی دیده می‌شود.

۷ - و در آخرین فراز از کتاب «زند بهمن یسن» که شرح و تفسیر «اوستا» می‌باشد، از ظهور مصلح جهانی و منتهی شدن حکومت آن حضرت به رستاخیز سخن گفته:

«پس «سوشیانس» آفرینش را دوباره پاک بسازد و رستاخیز و تن پسین باشد»<sup>۲</sup>

در بخش واژه‌نامه‌ی «زند بهمن یسن» در شرح و تفسیر واژه‌ی «سوشیانس» آمده است:

«سوشیانس: آخرین نجات بخش دین زرتشتی»<sup>۳</sup>

۸ - در «زند و هومن یسن» از ظهور «سوشیانس» (نجات دهنده‌ی بزرگ جهان) خبر داده می‌گوید:

«نشانه‌های شگفت‌انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می‌کند و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می‌شوند و به همه‌ی دنیا پیام می‌فرستند».

۱ - «بهمن یشت» که «زندوهومن یسن» نیز نامیده می‌شود، شامل یک رشته رویدادهایی است که راجع به آینده‌ی ملت و آیین ایران است، که اهورا مزداوقوع آنها را به زرتشت پیشگویی می‌کند. این کتاب توسط صادق هدایت از متن پهلوی به فارسی کنونی ترجمه شده است.

۲ - زند بهمن یسن: ص ۱۹

۳ - همان مدرک: ص ۱۵۰

آنگاه به مقاومت شیرین در برابر او اشاره کرده نوید می‌دهد که سرانجام همگی در برابر او سر تعظیم فرود می‌آورند.

۹ - قسمت دیگری از پیشگویی‌های زرتشت در مورد سوشیانس را در «یسنا» فصل‌های ۳، ۱۲ و ۱۶ می‌خوانیم.

۱۰ - هنگامی که «گشتاسب» در مورد کیفیت ظهور سوشیانس و چگونگی اداره‌ی جهان می‌پرسد، جاماسب حکیم، شاگرد زرتشت توضیح می‌دهد:

«سوشیانس (نجات دهنده بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را همفکر و هم‌گفتار و هم‌کردار گرداند»<sup>۱</sup>.

اعتقاد به ظهور «سوشیانس» در میان امت ایران باستان به قدری رائج بود که در شکست‌های جنگی و فراز و نشیب‌های زندگی با یادآوری ظهور او خود را از یاس و ناامیدی نجات می‌دادند.

در جنگ قادسیه پس از درگذشت «رستم فرخزاد» سردار نامی ایران، هنگامی که یزدگرد با کسان خود آماده‌ی فرار می‌شد، به هنگام خارج شدن از کاخ پرشکوه مداین، ایوان مجلل خود را خطاب کرده گفت:

«های ای ایوان! درود من بر تو باد من هم‌اکنون از تو روی می‌تابم تا آنگاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور او فرا نرسیده است به سوی تو برگردم».

سلیمان دیلمی می‌گوید:

«هنگامی که به محضر امام صادق (ع) شرفیاب شدم مقصود یزدگرد را از جمله‌ی (یکی از فرزندان خود) پرسیدم، فرمود:

«او مهدی موعود قائم آل محمد است که به فرمان خداوند در آخرالزمان ظهور می کند. او ششمین فرزند من، و فرزند دختری یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او می باشد»<sup>۱</sup>.

این روایت را «احمد بن عیاش» هزار و اندی سال پیش در کتاب نفیس خود «مقتضب الأثر» آورده است.<sup>۲</sup>

اوستایی که امروزه در دست داریم، یک چهارم اوستایی است که در روزگار ساسانی در دست داشتند. در قسمت‌های از دست رفته بیش از اینها از موعود بحث شده و سخن به میان آمده بود.<sup>۳</sup>

\*\*\*

آنچه از نظر خوانندگان گرامی گذشت، نمونه‌ای از نویدهای جاوید کتب مقدسه‌ی ادیان و مذاهب مختلف جهان بود که همه‌ی آنها با مضمون‌های مختلف خود، آمدن مصلحی را به نام «مهدی» در آخرالزمان نوید می‌دهند و می‌رسانند که او صاحب قدرت عظیم و نیروی شگرف و معجزه‌آسا بوده، و حکومت واحد جهانی را در ربع مسکون کره‌ی زمین براساس عدالت و آزادی استوار خواهد کرد.

و از نقل همین مختصر اصالت مسئله‌ی مهدی و جهانی بودن آن آفتابی می‌شود و روشن می‌گردد که این عقیده اختصاص به مسلمانان ندارد بلکه پیروان همه‌ی ادیان در انتظار چنین مصلح جهانی به سر می‌برند. و اگر از اسم «مهدی» و «قائم» صرف نظر کنیم، اعتقاد به ظهور مصلح مقتدری را در عقاید «یونانیان»

۱ - با توجه به این که «شهربانو» مادر امام سجاد(ع) بنا بر مشهور دختر یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی است، روشن می‌شود که او واقعا پدر حضرت ولی عصر(ع) می‌باشد.

۲ - مقتضب الأثر: ص ۴۰، احمد بن عیاش با شیخ صدوق معاصر بود و در سال ۴۰۱ هجری درگذشت. [این حدیث در الملاحم و الفتن صفحه‌ی ۲۰۰ نیز به نقل از جلد ۸ مناقب آمده است].

۳ - سوشیانت: ص ۸۳

و مردم ایران باستان و کتب قدیمی «چینیان» و در بین اهالی «اسکاندیناوی» و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان وحشی «مکزیک» نیز می‌توان یافت که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

## ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی

- ۱ - ایرانیان باستان معتقد بودند که «گرازاسپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در کابل زندگی می‌کند و صد هزار فرشته او را پاسبانی می‌کنند تا روزی قیام کند و جهان را اصلاح نماید.
- و گروهی دیگر از ایرانیان می‌پنداشتند که «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده‌ی فرمانروایی، دیهیم پادشاهی به فرزند خود داد و به کوهستان رفت، و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود اهریمنان را از گیتی براند.
- ۲ - نژاد «اسلاو» بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند.
- ۳ - نژاد «ژرمن» معتقد بودند که یک نفر فاتح از طرف آنان قیام نماید و «ژرمن» را بر دنیا حاکم گرداند.
- ۴ - اهالی «صربستان» انتظار موعود «مارکو کرایویچ» را داشتند.
- ۵ - «برهمانیان» از دیر زمانی بر این عقیده بودند که در آخرالزمان «ویشنو» ظهور نماید و بر اسب سفیدی سوار شود و شمشیر آتشین بر دست گرفته، مخالفین را خواهد کشت و تمام دنیا برهنم گردد و به این سعادت برسد.
- ۶ - ساکنان جزایر انگلستان از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که «ارتور» روزی از جزیره‌ی «آوالون» ظهور نماید و نژاد ساکسون را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد.
- ۷ - یهودیان معتقدند که در آخرالزمان «ماشیح» (مهدی بزرگ) ظهور می‌کند و ابدالاباد در جهان حکومت می‌کند. ولی او را از اولاد اسحاق می‌پندارند، در

صورتی که تورات او را صریحاً از اولاد اسماعیل دانسته است، چنان که در دومین بشارت عهد عتیق گذشت.

۸ - نصاری نیز به وجود مصلحی قائل هستند و می‌گویند که در آخرالزمان ظهور کرده، عالم را خواهد گرفت. ولی در اوصافش اختلاف دارند.

۹ - ملل و اقوام مختلف هند، مطابق کتاب‌های مقدسه‌شان، در انتظار مصلحی هستند که ظهور کرده حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد.

۱۰ - اسن‌ها معتقدند که پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده، دروازه‌های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.

۱۱ - سلت‌ها می‌گویند پس از بروز آشوبهایی در جهان «بوریان بورویهم» قیام کرده، دنیا را متصرف خواهد شد.

۱۲ - اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردن بلاهایی می‌رسد جنگ‌های جهانی اقوام را نابود می‌سازد، آنگاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده، بر همه چیره می‌شود.

۱۳ - یونانیان می‌گویند: «کالویبرگ» نجات‌دهنده‌ی بزرگ، ظهور کرده، جهان را نجات خواهد داد.

۱۴ - اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخص» می‌باشند.

۱۵ - چینی‌ها معتقدند که «کرشنا» ظهور کرده، جهان را نجات می‌دهد.

۱۶ - اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که «کوتزلکوتل» نجات بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان، پیروز خواهد شد.

۱۷ - گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در شهر «ممفیس» زندگی می‌کردند معتقد بودند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیب بر جهان مسلط می‌شود، اختلافات طبقاتی را از بین می‌برد و مردم را به آرامش و آسایش می‌رساند.

۱۸ - گروهی دیگر از مصری‌های باستان معتقد بودند که فرستاده‌ی خدا در آخر زمان، در کنار خانه‌ی خدا پدیدار گشته، جهان را تسخیر می‌کند.

۱۹ - قبایل «ای پوور» معتقد بودند که روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند، و آن به سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است.

۲۰ - گروهی از مردم پرتغال معتقدند که یکی از پادشاهان سابق پرتغال به نام: «سَبَسْتِیانوس» با تمام لشکر خود در جزیره‌ی غیب از دیده‌ها غائب است تا در آخرالزمان خروج کرده، تمام دنیا را مسخر نموده، یک دین و یک فرمانروا بر همه‌ی روی زمین حاکم شود.

یک کشیش پرتغالی به نام: «آنتونیو دوژزو» که در اوایل قرن دوازدهم به عنوان رئیس دیر آگوستین‌های پرتغالی مقیم اصفهان<sup>۱</sup> به شهر اصفهان عزیمت نموده، پس از سال‌ها اقامت به حقانیت آئین مقدس اسلام پی برده به شرف اسلام مشرف گردید.

از آثار ارزشمندی که این اندیشمند تازه مسلمان پس از پذیرش اسلام نوشته، کتاب: «سیف المؤمنین فی قتال المشرکین» می‌باشد.<sup>۲</sup> و در این اثر گرانسنگ خود از «جزیره‌ی غیب» به تفصیل سخن گفته است.

## مهدی موعود از دیدگاه اسلام

مهدی موعود یکی از مسائل بسیار حیاتی اسلام به شمار می‌رود و با سایر عقاید و احکام اسلامی پیوند ناگسستنی دارد.

۱ - این دیر نخستین دیری بود که در اوائل قرن هفدهم میلادی توسط لاتینی‌ها در اصفهان ساخته شد، روحانیون این دیر نمایندگان رسمی پادشاه پرتغال در ایران بودند.

۲ - این کتاب اخیراً تحت عنوان: «ترجمه، شرح و نقد سفر پیدایش تورات» در ۷۷۶ صفحه‌ی وزیرری در قم چاپ و منتشر شد.

آیات متعددی در قرآن مجید وارد شده است که پیشوایان دینی به مهدی موعود تفسیر کرده‌اند و در ضمن صدها حدیث، مشخصات آن حضرت را بیان نموده‌اند که از حوصله‌ی این کتاب بیرون است.<sup>۱</sup>

در لابلای روایات متواتری که از حضرت رسول اکرم (ص) و سایر پیشوایان دین صادر شده است، کلیه‌ی اوصاف و تمام جزئیات زندگی مصلح جهانی و پایه‌گذار حکومت واحد جهانی بیان شده است.

احادیث وارده درباره‌ی «امام‌زمان (ع) از طریق شیعه و سنی بیرون از شمار است، از این رهگذر ما فقط فهرست قسمتی از آنها را در زیر از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرانیم:

- ۱ - در ۲۹۳ حدیث تصریح شده که او فرزند «امام حسن عسگری (ع)» است.
- ۲ - در ۹۰ حدیث تصریح شده که او نوه‌ی «امام هادی (ع)» و نبیره‌ی «امام جواد (ع)» است.
- ۳ - در ۹۵ حدیث وارد شده که وی چهارمین فرزند «حضرت رضا (ع)» است.
- ۴ - در ۱۹۹ روایت آمده که او پنجمین فرزند «امام کاظم (ع)» است.
- ۵ - در ۲۰۲ حدیث وارد شده که او ششمین فرزند «حضرت صادق (ع)» است.
- ۶ - در ۱۰۳ حدیث وارد شده که او هفتمین فرزند «حضرت باقر (ع)» است.
- ۷ - در ۱۸۵ خبر آمده که او هشتمین فرزند «حضرت سجاد (ع)» است.
- ۸ - در ۳۰۸ حدیث تصریح شده که وی نهمین فرزند «حضرت حسین (ع)» است.
- ۹ - در ۲۱۴ حدیث وارد شده که او دهمین فرزند «حضرت علی (ع)» است.
- ۱۰ - در ۱۹۲ روایت آمده که وی از اولاد «حضرت فاطمه (س)» است.
- ۱۱ - در ۴۸ حدیث تصریح شده که وی همنام حضرت پیامبر (ص) است.

۱ - طالبین می‌توانند به کتاب پیراج «شواهد التنزیل» حسکانی حنفی و «المهدی فی القرآن» سیدصادق شیرازی و «بحار الأنوار» علامه‌ی مجلسی مراجعه نمایند.



- ۱۲ - در ۱۳۶ حدیث تصریح شده که او دوازدهمین امام و آخرین پیشوا است.
- ۱۳ - در ۹۱ حدیث به غیبت طولانی آن حضرت تصریح شده است.
- ۱۴ - در ۷ حدیث کیفیت انتفاع مردم از آن حضرت در زمان غیبت بیان شده است.
- ۱۵ - در ۵۱ حدیث سیرت و صورت او توصیف شده است.
- ۱۶ - در ۴۷ روایت تصریح شده که در عصر او اسلام دین جهانی خواهد شد. و آیه‌ی شریفه‌ی (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ) <sup>۱</sup> تحقق خواهد یافت.
- ۱۷ - در ۱۲۳ روایت وارد شده که او شخصاً عدالت اجتماعی را در روی زمین برقرار می‌کند.
- ۱۸ - در ۲۹۳ حدیث از تولد آن حضرت گفتگو شده است.
- ۱۹ - در ۶۵۷ حدیث درباره‌ی ظهور و علائم ظهور بحث شده است.
- ۲۰ - در ۳۱۸ روایت عمر طولانی آن حضرت مطرح شده و در برخی از آنها تصریح شده که عمر شریفش به قدری طولانی می‌شود که جز مؤمنان راستین، کسی در اعتقاد خود استوار نمی‌ماند.
- متن ۳۶۹۲ روایتی که فهرست آنها در بالا گفته شد، به اضافه‌ی ۲۵۱۵۵ روایت دیگر که پیرامون آن حضرت در منابع شیعه، از پیشوایان معصوم (ع) به دست ما رسیده است، در کتاب نفیس «منتخب الاثر» آمده است.
- مؤلف این کتاب، که از شخصیت‌های برجسته جهان تشیع و مقیم حوزه‌ی علمیه قم می‌باشد، روایات مربوط به امام زمان (ع) را تا جایی که توانایی داشته، از کتاب‌های معتبر و مدارک دست اول شیعه استخراج، و در این کتاب گرد آورده است.
- در این کتاب ۶۲۰۷ روایت با ذکر مأخذ از ۱۵۴ کتاب معتبر نقل شده است.

\*\*\*

۱ - سوره‌ی توبه: آیه‌ی ۳۳، سوره‌ی فتح: آیه‌ی ۲۸ و سوره‌ی صف: آیه‌ی ۹.

## مهدی موعود در منابع اهل تسنن

روایاتی که پیرامون بنیانگذار حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی مهدی موعود، قائم آل محمد(ص) در منابع اهل تسنن آمده است، دست کم از روایات شیعیان نمی‌باشد و حتی در «صحاح سته» که معتبرترین کتاب روایتی اهل تسنن است روایات مهدی(ع) به شرح زیر آمده است:

- ۱ - صحیح بخاری، جلد چهارم «کتاب الاحکام» و باب «نزول عیسی بن مریم».
- ۲ - صحیح مسلم، جلد اول، باب «الفتن و اشراط الساعة» و باب «نزول عیسی».

۳ - سنن ابن ماجه، جلد دوم، باب «خروج المهدی»

۴ - سنن ابی داود، جلد دوم کتاب «المهدی»

۵ - سنن ترمذی، باب «ما جاء فی المهدی»

همچنین مسند احمد، پیشوای حنبلی‌ها و دیگر سنن و جوامع اهل تسنن روایات حضرت مهدی(ع) را احتواء کرده است.

استاد «علی محمد دخیل» اسامی ۲۰۵ کتاب از بزرگان علمای سنی را در کتاب خود «الامام المهدی» آورده است که تعداد ۳۰ نفر آنها مستقلاً درباره‌ی حضرت ولی عصر(عج) کتاب نوشته‌اند، و ۳۱ نفرشان فصلی را در کتاب‌های خود به روایات حضرت مهدی اختصاص داده‌اند و ۱۴۴ نفرشان به تناسب‌های مختلف روایات مهدی را در کتاب‌های خود آورده‌اند.

اگر بخواهیم اسامی همه‌ی این کتاب‌ها را نقل کنیم، سخن به درازا می‌کشد، از این رهگذر فقط کتاب‌هایی که مستقلاً درباره‌ی حضرت ولی عصر(ع) از بزرگان اهل سنت به رشته‌ی تحریر آمده است، به ترتیب حروف تهجی نام می‌بریم:

- ۱ - ابراز الوهم من کلام ابن حزم، تألیف احمد بن صدیق بخاری.

- ۲ - ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، تألیف احمد بن محمد بن صدیق حضرمی، متوفای ۱۳۸۰ ه .
- ۳ - اتحاف الجماعة بما جاء فی الفتن و الملاحم و اشراط الساعة - ۲ جلدی - تألیف شیخ حمّود بن عبدالله تویجری - معاصر
- ۴ - احادیث اشراط الساعة الصغری، تألیف صالح بن محمد دخیل الله - معاصر
- ۵ - الاحادیث القاضیه بخروج المهدي، تألیف محمد بن اسماعیل امیر یمانی، متوفای ۷۵۱ ه .
- ۶ - الاحادیث الواردة فی المهدي، تألیف ابوبکر بن خثیمه، متوفای ۲۷۹ ه .
- ۷ - الأحادیث الواردة بشأن الدجال، تألیف احمد بن عیسی بن الہادی - معاصر
- ۸ - الأحادیث الواردة فی شأن المهدي، تألیف شیخ عبدالعلیم بن عبدالعظیم بستوی - معاصر
- ۹ - احادیث و کلمات حول الامام المنتظر - تألیف سیدعبدالله غریفی - معاصر
- ۱۰ - الاحتجاج بالأثر علی من انکر المهدي المنتظر، تألیف شیخ حمود بن عبدالله تویجری - معاصر
- ۱۱ - احوال صاحب الزمان، تألیف سعدالدین حموئی، متوفای ۶۵۰ ه .
- ۱۲ - احوال مهدي آخر الزمان، تألیف متقی ہندی، متوفای ۹۷۵ ه .
- ۱۳ - اخبار الدولة فی ظہور المهدي، تألیف احمد بن ابراہیم، ابن جزار قیروانی، متوفای ۴۰۰ ه .
- ۱۴ - اخبار المهدي، تألیف ابوالعلاء ہمدانی، متوفای ۵۵۶۹ ه .
- ۱۵ - اخبار المهدي، تألیف بدرالدین حسن بن محمد بن صالح نابلسی، متوفای ۷۷۲ ه .
- ۱۶ - اخبار المهدي، تألیف عبدالعزیز بن یحیی جلودی، متوفای ۳۰۲ ه . یا ۳۳۲ ه .

- ۱۷ - اخبار المهدی، تألیف ابونعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ هـ .
- ۱۸ - اخبار المهدی، تألیف حماد بن یعقوب رواجنی .
- ۱۹ - اخبار المهدیه، تألیف ابوبکر صنهاجی .
- ۲۰ - اربعین حدیث فی المهدی، تألیف ابونعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ هـ .<sup>۱</sup>
- ۲۱ - اربعین حدیث فی المهدی، تألیف ابوالعلاء همدانی، متوفای ۵۶۹ هـ .
- ۲۲ - ارشاد المستهدی فی نقل بعض الاحادیث و الآثار الواردة فی شأن الامام المهدی، تألیف محمد علی حسین بکری مدنی .
- ۲۳ - الاشاعة لاشراط الساعة، تألیف محمد بن رسول برزنجی شافعی، متوفای ۱۱۰۳ هـ .
- ۲۴ - اشراط الساعة، تألیف ابومحمد عبدالغنی مقدسی جماعیلی حنفی، متوفای ۵۶۰ هـ .
- ۲۵ - اشراط الساعة، تألیف احمد بن فقیه شافعی .
- ۲۶ - اشراط الساعة، تألیف یوسف بن عبدالله بن یوسف وابل .
- ۲۷ - اشراط الساعة الصغری و الكبرى، تألیف شیخ امین حاج محمد احمد - معاصر
- ۲۸ - اشراط الساعة و خروج المهدی، تألیف علی بن محمد میلی جمالی مغربی مالکی، متوفای ۱۲۴۸ هـ .
- ۲۹ - اصح ما ورد فی المهدی و عیسی، تألیف شیخ محمد حبیب الله شنقیطی جکنی، متوفای ۱۳۶۳ هـ .

---

۱ - متن آن در جلد دوم «نامه‌ی دانشوران» و ترجمه‌اش توسط «عبدالحجّة بلاغی در سال ۱۳۸۳ قمری، در تهران به چاپ رسیده است.

- ۳۰ - اعتقاد اهل القرآن فی نزول المسیح ابن مریم آخرالزمان، تألیف شیخ محمد عربی مغربی.
- ۳۱ - اقامة البرهان علی نزول عیسی فی آخرالزمان، تألیف ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق ادیسی غماری - معاصر
- ۳۲ - اقامة البرهان فی الرد علی من انکر خروج المهدي والدجال و نزول المسیح فی آخرالزمان، تألیف حمود بن عبدالله تویجری - معاصر
- ۳۳ - امارات الساعة، تألیف شاه رفیع‌الدین دهلوی.
- ۳۴ - البرهان فی علامات مهدي آخرالزمان، تألیف ملا علی متقی هندی، متوفای ۹۷۵ ه. ۱
- ۳۵ - البرهان، فی علامات مهدي آخرالزمان، تألیف جلال‌الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ه.
- ۳۶ - البیان فی اخبار صاحب الزمان، تألیف محمد بن یوسف گنجی شافعی متوفای ۶۵۸ ه. ۲
- ۳۷ - بین یدی الساعة، تألیف دکتر عبدالباقی احمد محمد سلامه - معاصر

---

۱ - نگارنده یک نسخه‌ی خطی آن را در کتابخانه‌ی سلیمانیه‌ی استانبول و یک نسخه‌اش را در کتابخانه‌ی سلطنتی برلین دیده است، و اخیراً از روی نسخه خطی کتابخانه‌ی مسجد الحرام (مکه مکرمه) در سال ۱۳۹۸ به کوشش آقای علی‌اکبر غفاری در تهران چاپ شده است و نسخه‌ای هم در کتابخانه الامام امیرالمومنین در نجف اشرف موجود است. منظور از نگارنده (آقای حاج میرزا علی‌اکبر مهدی‌پور) که یکی از نویسندگان خوش‌نام معاصر در شهر قم می‌باشند.

۲ - این کتاب در سال ۱۳۲۴ قمری به ضمیمه‌ی کتاب «الغیبة» شیخ طوسی در ایران چاپ شد، چاپ دوم آن در استانبول (۱۳۳۱) و سومش در نجف (۱۳۸۲) و یک بار هم در آخر «کفایة الطالب» و اخیراً به صورت جالبی با مقدمه سیدمهدی خرسان بیروت چاپ شده است.

- ۳۸ - تحدیق النظر فی اخبار المهدی المنتظر، تألیف محمد بن عبدالعزیز بن مانع، متوفای ۱۳۸۵ هـ.<sup>۱</sup>
- ۳۹ - تلخیص البیان فی علامات مهدی آخرالزمان، تألیف ابن کمال پاشا حنفی، متوفای ۹۴۰ هـ.<sup>۲</sup>
- ۴۰ - تلخیص البیان فی اخبار مهدی آخرالزمان، تألیف ملاعلی متقی، متوفای ۹۷۵ هـ.<sup>۳</sup>
- ۴۱ - تنبیه الوسنان الی اخبار مهدی آخرالزمان، تألیف احمد نوبی، متوفای ۱۰۳۷ هـ.
- ۴۲ - التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسيح، تألیف شوکانی.
- ۴۳ - ثلاثة ينتظروهم العالم: عیسی، الدجال و المهدی المنتظر، تألیف شیخ عبداللطیف عاشور - معاصر
- ۴۴ - جامع الاخبار والاقوال فی المسيح الدجال، تألیف عبدالرزاق عبدالرعود.
- ۴۵ - جزء فی المهدی، تألیف ابو حسین ابن المنادی، متوفای ۳۳۶ هـ.
- ۴۶ - جزء فی المهدی، تألیف عمادالدین ابن کثیر، متوفای ۷۷۴ هـ.
- ۴۷ - الجواب المقنع المحرر، فی الرد علی من طغی و تبهر، بدعوی انه عیسی او المهدی المنتظر، تألیف محمد حبیب الله بن مایانی جکنی شنقیطی، متوفای ۱۳۶۳ هـ.
- ۴۸ - دجال از دیدگاه اسلام و سایر ادیان، - ترکی استانبولی - تألیف دکتر زکی ساری توپراق - معاصر

---

۱ - نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی سلیمانیه‌ی استانبول و نسخه‌ای دیگر در دارالکتب مصر موجود است.

۲ - نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی برلین و چندین نسخه در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است.

۳ - یک نسخه از آن در کتابخانه‌ی برلین و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه سلیمانیه و سومی در کتابخانه‌ی آیت الله نجفی در قم موجود است.

- ۴۹ - دراسات المرویات بشأن الدجال فی الکتب الستہ، تألیف احمد بن عیسی احمد هادی عمر - معاصر
- ۵۰ - ذکر المهدی و نعوتہ، تألیف ابونعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ ه .
- ۵۱ - الرد علی من حکم و قضی، ان المهدی جاء و مضی، تألیف ملاعلی قاری، متوفای ۱۰۱۴ ه<sup>۱</sup>.
- ۵۲ - الرد علی من حکم و قضی بان المهدی جاء و مضی، تألیف متقی هندی، متوفای ۱۰۱۴ ه .
- ۵۳ - الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحة - الواردة فی المهدی، تألیف شیخ عبدالمحسن عبّاد - معاصر
- ۵۴ - رسالۃ فی رد من انکر ان عیسی علیه السلام اذا نزل یصلی خلف المهدی، تألیف جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ه .
- ۵۵ - رسالۃ فی علامات المهدی، تألیف جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ه .
- ۵۶ - رسالۃ فی الفتن و الملاحم و اشراط الساعة - تألیف ابو عبیدہ ماهر بن صالح آل مبارک.
- ۵۷ - رسالۃ فی المهدی، تألیف جعفر بن حسن بن عبدالکریم برزنجی، متوفای ۱۱۷۹ ه .
- ۵۸ - رسالۃ فی المهدی، تألیف متقی هندی، متوفای ۹۷۵ ه .
- ۵۹ - رسالۃ فی المهدی، تألیف ابن کثیر دمشقی، متوفای ۷۷۴ ه .

---

۱ - نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی الامام امیرالمومنین، نجف و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه‌ی ناصریه (لکهنو - هند) موجود است.

- ۶۰ - رسالۃ فی المهدی، تألیف ادريس بن محمد بن حمدون عراقی فارسی، متوفای ۱۱۸۳ هـ .
- ۶۱ - رسالۃ فی المهدی، تألیف احمد بربر، متوفای ۱۲۲۶ هـ .
- ۶۲ - روض وردی فی اخبار المهدی، تألیف جعفر بن حسن برزنجی شافعی، متوفای ۱۱۷۹ هـ .
- ۶۳ - السر فی عور الدجال، تألیف عبدالرحمن بن عبدالله اندلسی سهیلی، متوفای ۵۸۱ هـ .
- ۶۴ - سیدالبشر يتحدث عن المهدی المنتظر، تألیف شیخ حامد محمود محمد لیمود - معاصر
- ۶۵ - صاحب الزمان، تألیف ابوالعباس محمد بن اسحاق، متوفای ۲۷۵ هـ .
- ۶۶ - الصحيح المسند من احاديث الفتن و الملاحم و اشراط الساعة، تألیف مصطفى عدوی - معاصر
- ۶۷ - طرق احاديث المهدی، تألیف حافظ ولی الدین ابوزرعة عراقی، متوفای ۸۲۶ هـ .
- ۶۸ - العرف الوردی فی اخبار المهدی، تألیف جلال الدین سیوطی متوفای ۹۱۰ هـ<sup>۱</sup>.
- ۶۹ - العرف الوردی فی اخبار المهدی، تألیف یوسف بن یحیی دمشقی شافعی، متوفای ۶۸۵ هـ<sup>۲</sup>.
- ۷۰ - العرف الوردی فی دلائل المهدی، تألیف عبدالرحمن بن مصطفى، عیدروس یمنی، متوفای ۱۱۹۲ هـ<sup>۳</sup>.

۱ - نسخه‌ای از آن در کتابخانه سلیمانیه موجود است. و در ضمن کتاب «الحاوی للفتاوی» جلد ۲ ص ۵۷ - ۸۶ چاپ شده است.

۲ - یک نسخه از آن در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است.

۳ - یک نسخه از آن در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است.



- ۷۱ - العطر الوردی، فی شرح القطر الشہدی، فی اوصاف المہدی، تألیف محمد بن محمد بن احمد بلبیسی، متوفای ۱۳۰۸ هـ .
- ۷۲ - عقد الدرر فی اخبار المہدی المنتظر، تألیف یوسف بن یحیی دمشقی شافعی، متوفای ۶۸۵ هـ<sup>۱</sup>.
- ۷۳ - عقد الدرر فی تحقیق القول بالمہدی المنتظر، تألیف احمد بن زینی دحلان.
- ۷۴ - عقیدۃ الاسلام فی رفع سیدنا عیسی و نزوله فی آخر الزمان، تألیف محمد ضیاءالدین کردی.
- ۷۵ - عقیدۃ اهل الاسلام فی نزول عیسی، تألیف ابوالفضل عبداللہ بن صدیق غماری - معاصر
- ۷۶ - عقیدۃ اهل السنۃ و الاثر فی المہدی المنتظر، تألیف شیخ عبدالمحسن عباد - معاصر
- ۷۷ - علائم الظہور، تألیف علی بن حسامالدین متقی ہندی، متوفای ۹۷۵ هـ .
- ۷۸ - علامات الساعة الصغری و الكبرى، تألیف لیلی مبروک - معاصر
- ۷۹ - علامات الساعة فی القرآن و السنۃ، تألیف شیخ جزاع شمیری - معاصر
- ۸۰ - علامات قیام الساعة الصغری و الكبرى، تألیف یوسف بن اسماعیل نبہانی، متوفای ۱۳۵۰ هـ .
- ۸۱ - علامات القیامۃ الكبرى، من بعثۃ النبی حتی نزول عیسی، تألیف شیخ عبداللہ حجاج - معاصر

---

۱ - نسخہهایی از آن در کتابخانہی آیتاللہ حکیم در نجف، مدرسہی ہندیہا در کربلا، علی پاشا در استانبول، معہد مخطوطات عربی در مصر موجود است، و اخیراً با ہمت والای آیتاللہ حاج شیخ محمد حسین کلباسی (قدس سرہ) [متوفای نهم رجب ۱۴۱۸ هـ] از روی نسخہی برلین در مصر بہ چاپ رسیدہ، سپس در قم و تہران تجدید طبع شدہ است.

- ۸۲ - علامات المهدي، تأليف صدرالدين قونوي، متوفای ۶۷۲ هـ .
- ۸۳ - علامات يوم القيامة، تأليف ابو عبدالله محمد بن احمد انصاري قرطبي، متوفای ۶۷۱ هـ .
- ۸۴ - العواصم عن الفتن القواصم، تأليف ابن بريده.
- ۸۵ - فتح المنان شرح الفوز و الامان في مدح صاحب الزمان، تأليف احمد بن علي بن عمر بن صالح عدوي ميني، متوفای ۱۱۷۳ هـ .
- ۸۶ - الفتن، تأليف ابو عبدالله نعيم بن حماد مروزي، متوفای ۲۸۸ هـ .
- ۸۷ - الفتن، تأليف ابوصالح احمد بن عيسى سليلي - قرن چهارم
- ۸۸ - الفتن، تأليف ابو عمرو، عثمان بن سعيد داني، متوفای ۴۴۴ هـ .
- ۸۹ - الفتن و الملاحم الواقعة في آخر الزمان، تأليف ابن كثير، متوفای ۷۷۴ هـ .
- ۹۰ - الفتوى في مسألة المهدي المنتظر، شيخ منتصر كتاني.<sup>۱</sup>
- ۹۱ - فرائد الفوائد، تأليف مرعي بن يوسف كرمي مقدسي، متوفای ۱۰۳۱ هـ .<sup>۲</sup>
- ۹۲ - فصل المقال في رفع عيسى (ع) حياً، و في نزوله و قتله الدجال، تأليف دكتور محمد خليل هراس
- ۹۳ - القطر الشهدي في اوصاف المهدي، تأليف احمد بن احمد حلواني شافعي، متوفای ۱۳۰۸ هـ .<sup>۳</sup>

---

۱ - این جزوه در پاسخ یک مسلمان کنیائی، از طرف رابطه العالم الاسلامی (مکه) منتشر شده است. متن عربی آن در «البيان» ص ۷۶ - ۷۹ و ترجمه‌ی فارسی‌اش در کتاب «مهدی انقلابی بزرگ» ص ۱۴۶ - ۱۵۵ و ترجمه لاتینش توسط نگارنده از مرکز اسلامی استانبول منتشر شده است. (نگارنده توسط دانشمند عزیزم حضرت حجت‌الاسلام جناب حاج میرزا علی اکبر مهدی پور زیدعزه می‌باشند.

۲ - نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی سلیمانیه استانبول موجود است.

۳ - این کتاب، در سال ۱۳۴۵ هجری در مصر به ضمیمه‌ی کتاب «فتح رب الارباب» چاپ شده است.

- ۹۴ - القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر، تألیف شهاب‌الدین احمد بن محمد ابن حجر مکی، متوفای ۹۷۳ هـ.<sup>۱</sup>
- ۹۵ - کتاب المهدي، برهان‌الدین، ابراهیم بن محمد حنبلی، مشهور به ابن قیم جوزیه، متوفای ۷۶۷ هـ.
- ۹۶ - کتاب المهدي ابو موسی عیسی بن مهران مستعطف.
- ۹۷ - مختصر الاخبار المشاعة فی الفتن و اشراط الساعة و اخبار المهدي، تألیف شیخ عبدالله بن سلیمان مشعل - معاصر
- ۹۸ - مختصر القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر، تألیف ابن حجر هیثمی، متوفای ۹۷۳ هـ.
- ۹۹ - مرآة الفكر فی المهدي المنتظر، تألیف مرعی بن یوسف مقدسی، متوفای ۱۰۳۱ هـ.
- ۱۰۰ - مسألة فی الغيبة، تألیف قاضی عبدالجبار معتزلی، متوفای ۴۱۵ هـ.
- ۱۰۱ - المسيح عیسی، نزوله فی آخر الزمان و قتاله الدجال، تألیف مصطفی عبدالقادر عطا - معاصر
- ۱۰۲ - مشاهدة الآيات فی اشراط الساعة و ظهور العلامات، تألیف محمد بن مؤید حموینی، متوفای ۶۵۰ هـ.
- ۱۰۳ - المشرب الوردی فی مذهب المهدي، تألیف ملاعلی قاری متوفای ۱۰۱۴ هـ.<sup>۲</sup>
- ۱۰۴ - مشرق الأکوان، تألیف سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ هـ.
- ۱۰۵ - الملاحم، تألیف ابوالحسن، احمد بن جعفر بن محمد، ابن المنادی، متوفای ۳۳۶ هـ.

۱ - نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های برلین و استانبول و دارالکتب مصر موجود است.

۲ - یک نسخه از آن در کتابخانه برلین و شش نسخه از آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است.

- ١٠٦ - مناقب المهدي، تأليف ابونعيم اصفهاني، متوفى ٤٣٠ هـ .
- ١٠٧ - من روى من طرق اصحاب الحديث، ان المهدي من ولد الحسين (ع)، تأليف ابوعلی احمد بن محمد بن احمد جرجاني، (مقيم مصر)
- ١٠٨ - من علامات القيامة الكبرى: المسيح الدجال و اسرار الساعة - تأليف محمد احمد سفاريني، متوفى ١١٨٨ هـ .
- ١٠٩ - مهدويت (تركي استانبولي)، تأليف ايلهان عوني - معاصر
- ١١٠ - مهدويت و اشغال كعبه (تركي)، تأليف احمد فاروق (معاصر)
- ١١١ - المهدي، تأليف عمادالدين ابوالفداء اسماعيل بن عمر، ابن كثير، متوفى ٧٧٤ هـ .
- ١١٢ - المهدي، تأليف ابن قيم جوزيه، متوفى ٧٥١ هـ .
- ١١٣ - المهدي، تأليف ابوداود (صاحب سنن) متوفى ٢٧٥ هـ .
- ١١٤ - المهدي، تأليف ادريس العراقي المغربي.
- ١١٥ - مهدي آل الرسول، تأليف علي بن سلطان محمد هروي حنفي.
- ١١٦ - المهدي الى ما ورد في المهدي، تأليف محمد بن طولون، متوفى ٩٣٥٥ هـ .
- ١١٧ - المهدي حقيقة لاخرافة، تأليف محمد بن احمد بن اسماعيل - معاصر
- ١١٨ - المهدي قيادة و فكرة، تأليف عبدالرحمن عيسى
- ١١٩ - المهدي المنتظر، تأليف ابراهيم مشوخي - معاصر
- ١٢٠ - المهدي المنتظر، تأليف جُهَيِّمان بن محمد بن سيف عتيبي، متوفى ١٤٠٠ هـ .
- ١٢١ - المهدي المنتظر، تأليف ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صديق غماري - معاصر
- ١٢٢ - المهدي المنتظر - تأليف عبدالله حجاج - معاصر
- ١٢٣ - المهدي المنتظر بين الحقيقة و الخرافة - تأليف عبدالقادر احمد عطا.

۱۲۴ - المهدي المنتظر بين العقيدة الدينيه و المضمون السياسى، تأليف محمد فريد حجاب - معاصر

۱۲۵ - المهدي المنتظر فى الميزان، تأليف عبدالمعطى عبدالمقصود.

۱۲۶ - المهدي المنتظر و من ينتظرونه، تأليف عبدالكريم خطيب

۱۲۷ - المهدي و اشراط الساعة، تأليف محمد على صابونى - معاصر

۱۲۸ - المهديه فى الاسلام منذ اقدم العصور حتى اليوم، تأليف سعد محمد حسن - معاصر

۱۲۹ - المهديه فى السلام، تأليف يوسف كرم.

۱۳۰ - نبأ الدجال، تأليف شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان ذهبى، متوفى ۷۴۸ هـ.

۱۳۱ - النجم الثاقب، تأليف زبيدى و عقيلى.

۱۳۲ - النجم الثاقب فى بيان ان المهدي من اولاد ابى طالب تأليف شمس الدين محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن على بهسينى عقيلى خلوتى شافعى، متوفى ۱۰۰۱ هـ.

۱۳۳ - نصيحة النبوة فى النجاة من الفتن، تأليف محمد عبدالرحمن عوض - معاصر

۱۳۴ - نظرة عابرة فى مزاعم من ينكر نزول عيسى قبل الآخرة، تأليف محمد زاهد كوثرى

۱۳۵ - نظرة فى احاديث المهدي، تأليف محمد خضر حسين مهدي، متوفى ۱۳۷۷ هـ.

- ۱۳۶ - نظریه مهدی (اردو)، تألیف محمد حسن لطفی - معاصر
- ۱۳۷ - النظم الواضح المبين، تألیف عبدالقادر بن محمد سالم
- ۱۳۸ - نعمت المهدی، تألیف ابونعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ هـ .
- ۱۳۹ - الهدایة المهدویة، تألیف ابوالرجا محمد هندی، متوفای ۱۲۹۰ هـ .
- ۱۴۰ - الهدیة الندیة، للامة المحمدیه فیما جاء فی فضل الذات المهدیه، تألیف قطب‌الدین مصطفی بن کمال‌الدین حنفی، متوفای ۱۱۶۲ هـ .<sup>۱</sup>
- در پایان گفتار، تذکر این نکته لازم است که در کتاب‌های اهل تسنن که روایات حضرت مهدی(ع) را آورده‌اند، به نقل روایات کلی اکتفا نشده، بلکه از اوصاف و خصوصیات آن حضرت نیز بحث شده است. مثلاً در دهها کتاب از دانشمندان سنی، تصریح شده که «مهدی موعود» فرزند بلافصل حضرت امام حسن عسگری(ع) می‌باشد.<sup>۲</sup>

### جامعه ایده‌آل و رسیدن به بلوغ فرهنگی در عصر حضرت مهدی(عج)

نتیجه نوید مقدس آرمان قیام و انقلاب مهدی موعود را در چند بند می‌شود خلاصه کرد.

الف: پیروزی نهایی صلاح و تقوا و صلح و عدالت و آزادی و صداقت بر زور و زر و استکبار و استعباد و ظلم و اختناق و دجالگری و فریب و خدعه.

ب: حکومت جهانی واحد

ت: عمرانی و آبادی تمام زمین در حدی که نقطه‌ای خراب و آباد نشده باقی نماند.

۱ - مشخصات چاپ و آدرس نسخ خطی این کتاب‌ها را در کتابنامه‌ی حضرت مهدی(ع) - به قلم نگارنده -

ملاحظه فرمایید. (نگارنده، دانشمند معظم آقای حاج میرزا علی اکبر مهدی پور دام‌عزه)

۲ - اسامی آنها را در کتاب «موعودی که جهان در انتظار اوست» ص ۵۱ - ۶۸ بخوانید.

ج: بلوغ بشریت به خردمندی کامل و پیروی از فکر و ایدئولوژی و آزادی از اسارت، شرایطی طبیعی و اجتماعی و بدون غرائز حیوانی.

ح: حداکثر از مواهب کامل طبیعی میان انسان‌ها در امر ثروت

د: منتفی شدن کامل مفسد اخلاقی از قبیل زنا، ربا، شرب خمر، خیانت، دزدی، آدمکشی و غیره و خالی شدن روان‌ها از عقده و کینه‌ها.

ط: منتفی شدن جنگ و برقراری صلح و صفا و محبت و تعاون.

ی: سازگاری انسان و طبیعت<sup>۱</sup>

هر کدام از اینها نیاز به تجزیه و تحلیل و استدلال دارد که مختصر وار گذشتیم و در اینجا منظور ما صرفاً شناساندن ماهیت نوید و آرمان ظهور حضرت مهدی (عج) است.<sup>۲</sup>

## آخرین سخن:

### قیام مهدی قائم از دیدگاه فلسفه و تاریخ

مهدی موعود(عج) نتیجه تحقق بخشی ایده‌ی همه انبیاء و اولیاء و مردان مبارز راه حق و حقیقت است که در آیات و روایات در صفحات قبل بدان‌ها استناد شد که همان مظهر و مکمل نوید وعده الهی است برای اهل ایمان و صلاح و فلاح و رستگاری که در قرآن بدان اشاره شده که فرمود: وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا (سوره نور آیه ۵۵).

۱ - مصداق آیه ذیل: ولو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ... سوره اعراف آیه ۹۶

۲ - نقل از کتاب قیام و انقلاب مهدی(عج) ص ۵۹.

خداوند به مؤمنان و شایسته‌کاران وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد دینی که برای آنها آن را پسندیده است مستقر سازد، دوران خوف آنان را تبدیل به دوران امنیت نماید بدون ترس و وا همه خدای خویش را بپرستند و اطاعت غیر خدا را گردن نهند و چیزی را در عبادت با طاعت شریک حق نسازند...

و ظهور مهدی (ع) منتهی است بر مستضعفان و خوارشمردگان و وسیله‌ای است برای پیشوا و مقتدا شدن آنان و مقدمه‌ای است برای وراثت آنها و خلافت الهی در روی زمین.

و نرید ان نمّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم الوارثین  
(سوره قصص آیه ۵)

ظهور مهدی موعود تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال از قدیمی‌ترین زمان‌ها در کتب آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنانست و پایان تنها به متقیان تعلق دارد.

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر انّ الارض یرثها عباد الصالحون  
(سوره انبیاء آیه ۱۰۵)

و در سوره اعراف آیه ۱۲۸ می‌فرماید: انّ الارض لله یرثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین.

و جهان در انتظار تحقق بخشیدن وعده الهی است که روزی حضرت حجت تشریف بیاورند و زمین پر از ظلم و جور را مبدل به عدالت (از دست اهل جور و ستم) نمایند ان شاء... تعالی



## خاتمه کتاب

بحمدلله والمنّة با عنایت حضرت باری تعالی و از توجهات تنها یادگار حضرت زهرا(س) (حضرت ولی عصر(عج)) کتاب حاضر را به اتمام رساندم و مختصر اشاراتی شد به برخی معمرین تاریخ از جمله نوح(ع)<sup>۱</sup> که به گفته تاریخ نگاران قریب به دو هزار و پانصد سال و فرعون<sup>۲</sup> که ادعای خدایی می کرد پانصد سال و جناب سلمان فارسی چهارصد سال عمر و غیره، و نیازی نبود به شرح و تفصیل بیشتر درباره ایشان و سایر معمرین نوشته شود چرا که مفصلاً در منابع دیگر موجود است و همه یقین داریم پروردگار ما قادر و تواناست به همه چیز، و نشانه های قدرتش در همه جا مبرهن و آشکار است، خدایی که خورشید را مقابل دیدگان ما قرار داده، خورشیدی که به نقل دانشمندان هیئت شناس حداقل چهار هزار میلیون<sup>۳</sup> سال تخمین عمرش است و مقدار روشنایی اش برابر با سه میلیارد میلیارد<sup>۴</sup> (یعنی یک عدد ۳ و بیست و هفت صفر) شمع که معادل است با روشن کردن شش هزار و یکصد میلیارد تن زغال سنگ و مقدار سوخت هیدروژن لازم برای این منبع عظیم برابر ۲۳۷۶ میلیون واکن برای یک ساعت خورشید که اگر بشود چنین انرژی هایی را تهیه کرد می توان نوری شبیه نور

۱ - قرآن ۹۵۰ سال پیغمبری کرده است.

۲ - در کتابی پنج هزار میلیون سال نوشته بودند مشاهده کردم و جهان آفرینش نوری ص ۹۵ الی ۹۹ و ۱۶۱ در اینجا به همه منابع فهرست شود.

۳ - ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ شمع

خورشید<sup>۱</sup> روشن کرد که به یقین از محالات است و فقط و فقط خداوند است که چنین توانایی را دارد و تازه این یک نمونه از کرات<sup>۲</sup> آسمانی بود که مختصراً شرح دادم و در مثال به محض اراده فرو ریزند اندر قالبها) إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ كُنْ فَيَكُونُ.<sup>۳</sup>

و حسن ختام کتابم را روایتی از پیامبر اکرم (ص) قرار می‌دهم: روزی جمعی از یاران حضرت در یکی از انجمن‌های علمی مذاکره می‌کردند که حضرتش وارد گردید اصحاب به منظور ادای احترام از جا برخاستند آن حضرت بعد از آن که نشست پرسید بحث بر سر چه موضوعی بود؟ گفتند: به منظور پی بردن به قدرت و حکمت پروردگار درباره (خورشید) تفکر و گفتگو می‌کردیم (فرمود) (کذلک فَافْعَلُوا) آری درباره خورشید فکر کنید که این موجود شگرف شایسته تفکر است.

کریمی کاین جهان پاینده دارد      تواند حجتی را زنده دارد

۱ - اگر بر فرض بخواهیم نیرویی به اندازه‌ی انرژی و نور خورشید را با ریختن مواد سوختی از خارج به دست بیاوریم باید سالیانه ۱۲۲ برابر وزن کره زمین زغال‌سنگ در کوره آتشین بریزیم یعنی عدد سرسام‌آوری که همان عدد ۲۲ رقمی ۵/۹۵۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تن است آن وقت به بزرگی این رقم بهتر پی می‌بریم یعنی هر روز به بزرگی کره زمین ما فقط ۳۶ ساعت برای برپا نگهداشتن آتش و حرارت خورشید کفایت نمی‌کند. قابل ذکر است که در هر روز ۳۳۵/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تن انرژی از خورشید سرازیر می‌شود و در فضا پخش می‌شود که در هر ثانیه چهار میلیون تن انرژی تولید می‌گردد!!! (جهان آفرینش نوری ۱۴۵)

۲ - در فضای پهناور آسمان خورشید ستارگان آفتابی دیگری وجود دارد که بزرگی خورشید ما در مقابل آنها مانند جرقه‌ی گداخته‌ای در برابر دریای آتش است. به طور مثال ستاره قطبی جدی دو هزار برابر خورشید و ستاره‌ی سهیل ۹۰ هزار برابر خورشید روشنایی دارد!!! (جهان آفرینش حسین نوری ص ۱۲۹)

۳ - يقول لمن أراد كونه (كن فيكون) لا بصوت يقرع ولا ينداء يُسمع وإنما كَلِمَةٌ سَبَّحَتْهُ فَعَلَ مِنْهُ أَشَاء... هرچه اراده کند می‌فرماید باش پدید می‌آید نه با صوتی که در گوش‌ها نشیند و نه فریادی که شنیده شود بلکه سخن خدای سبحان همان کاری است که ایجاد می‌کند... (نهج‌البلاغه خطبه ۲۲۸)

حالا شما هستید و ما و این کتاب و شش هزار حدیث و دلیل از تمام فرق  
مسلمان و مسیحی و زرتشتی، کلیمی، برهمنی، هندو، ژرمن، اسلاو، که همه و  
همه معتقدند که یک مصلح جهانی خواهد آمد. دیگر جای سخن نیست!

والسلام علی من اتبع الهدی

یعقوب محرمزاده

۱۳۹۴/۵/۳

ختامه مسک

اشتیاق امیر مؤمنان علیه السلام به دیدار یاران امام زمان (عج):

وَايَا شَوْقَاهُ إِلَى رُؤْيَيْتِهِمْ فِي خَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ

وہ چقدر مشتاقم کہ آنان را بہ هنگام تشکیل دولتشان ببینم۔

اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۵

منابع:

- ۱ - تفسیر نمونه آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی
- ۲ - فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام آیت‌الله‌العظمی جعفر سبحانی
- ۳ - تاریخ دوران پیامبر میرخلیل نقوی
- ۴ - سیری در اسلام نوشته سیدعلی‌اکبر قرشی
- ۵ - شمیم رحمت سیره حکومتی امام‌زمان (عج) آیت‌الله‌العظمی سیدصادق شیرازی
- ۶ - او خواهد آمد استاد علی‌اکبر مهدی‌پور
- ۷ - مقتدای مسیح (ع) آیت‌... کریمی جهرمی
- ۸ - نهج‌البلاغه (محمد دشتی)
- ۹ - قیام و انقلاب مهدی (عج‌الله) شهید مرتضی مطهری
- ۱۰ - جهان آفرینش، حسین نوری